

افغانستان
گزارش سال ۲۰۱۳ در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات
مسلحانه

خلاصه گزارش و سفارشات



© 2013 Rahmat Gul/Associated Press

عکس از رحمت گل، اسوشیتد پرس



هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان

کابل افغانستان

فبروری ۲۰۱۴

عکسی که در صفحه اول این گزارش درج گردیده، صحنه ای را نشان می دهد که در آن یک مرد افغان یک پسر مجروح را بطرف شفاخانه انتقال می دهد. پسر بعد از آنکه دو بسته مواد انفجاری تعبیه شده در کنار جاده در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار به تاریخ ۲۸ نومبر منفجر گردید، زخم برداشت. مواد انفجاری دومی در عین مکان، افرادی را هدف قرار داد که با قربانیان انفجار اولی کمک می کردند. هر دو مواد انفجاری در حدود چهار فرد ملکی را به قتل رسانده و هشت فرد ملکی را مجروح ساختند. (عکس از رحمت گل، اسوشیتید پرس)

تلفات انسانی که در اثر منازعات مسلحانه در افغانستان بوقوع می پیوندد، تکان دهنده است. نباید از هیچ کوششی برای حمایت از افراد ملکی در مقابل آسیب، دریغ کرد.

یان کوییش، نماینده ویژه دبیر کل ملل متحد در افغانستان، فبروری سال ۲۰۱۴

مأموریت

گزارش شش ماه اول سال ۲۰۱۳ در مورد محافظت از غیر نظامیان در درگیری های مسلحانه، توسط بخش حقوق بشر هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان (یوناما)، تهیه گردیده و دوره زمانی اول جنوری تا ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۳ را در بر میگیرد.

این گزارش به تعقیب مأموریت یوناما بر اساس قطعنامه ۲۰۹۶ (۲۰۱۳) شورای امنیت ملل متحد "به منظور نظارت از وضعیت غیرنظامیان، هماهنگی تلاش ها برای تضمین محافظت از آنها، تقویت پاسخ دهی و کمک در تطبیق کامل آزادی های بنیادین و مقررات حقوق بشری شامل در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان عضو آنها می باشد، بخصوص معاهداتی که به بهره مندی کامل زنان از حقوق بشری شان، ارتباط می گیرد" تهیه گردیده است.

قطعنامه ۲۰۹۶ (۲۰۱۳) شورای امنیت، اهمیت نظارت فعلی و گزارش دهی به شورای امنیت ملل متحد در مورد وضعیت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در افغانستان، بخصوص در مورد تلفات افراد ملکی را تصدیق می نماید.

یوناما یک سلسله فعالیت هایی را با هدف کاهش اثرات جنگ بر غیرنظامیان به شمول موارد ذیل روی دست گرفته است: نظارت مستقل و بیطرفانه از حوادثی که در آن افراد ملکی کشته یا زخمی شده اند؛ فعالیت های دادخواهی برای تقویت محافظت از غیرنظامیانی که در منازعات مسلحانه متضرر می گردند؛ و فعالیت هایی که باعث تقویت بیشتر مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، حقوق بشر، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان در میان تمام طرفهای درگیر می شود.

این گزارش توسط دفتر کمیسیون عالی ملل متحد برای حقوق بشر بازنگری گردیده و داده های تخنیکی را از طرف آنها دریافت نموده است.

واژه نامه

حمله هوایی: حمله هوایی، مهمات قابل شلیک از طیاره، بشمول حمایت هوایی نزدیک توسط هواپیماهای با بال ثابت و حملات جنگی نزدیک توسط بالگردها(هلیکوپترها) را می گویند. و نیز حملاتی را می گویند که با استفاده از وسایط جنگی هوایی بدون سرنشین یا طیاره های بدون خلبانی که از راه دور کنترل می شود، صورت می گیرد.

ABP: پولیس سرحدی افغان.

ALP: پولیس محلی افغان.

ANA: اردوی ملی افغان.

ANP: پولیس ملی افغان.

ANSF: نیروهای امنیتی ملی افغان یک اصطلاح عام بوده که شامل پولیس سرحدی، اردوی ملی، پولیس ملی و ریاست امنیت ملی میگردد.

عناصر ضد دولتی: این اصطلاح تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان" یا افراد و گروه های منسجم و مسلح غیر دولتی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم گرفته و با مشخصات یا هویت های مختلف شناخته می شوند. مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد و دیگر گروه های شبه نظامی و گروه های مسلحی که به دنبال اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی می باشند، به شمول گروه های جنایی که به طور مستقیم در اعمال خصمانه به نمایندگی از یک طرف درگیر فعالیت می نمایند.

گروپ مسلح: نیروهای مسلح غیر دولتی را گویند که در منازعات دخیل می باشند و از نیروهای دولتی متمایز هستند. این نیروها دارای تشکیلاتی می باشند که ممکن از نیروهای ملیشه گرفته تا شورشیان و مجرمین را شامل گردد. گروپ های مسلح این توانایی را دارند که با استفاده از قدرت شان از جنگ افزارهایشان بخاطر بدست آوردن اهداف سیاسی، آیدولوژیک و اقتصادی استفاده نمایند. در حالیکه آنها در تشکیلات رسمی نیروهای نظامی دولتی جا نداشته، از هم پیمانان دولت یا نهاد درون دولتی نیز بشمار نمی آیند و هم چنان، آنها در تحت کنترل دولتی که در قلمروی شان فعالیت دارند، نیستند. گروپ های مسلح ممکن تحت فرماندهی و کنترل رسمی دولتی که در قلمروی آن فعالیت می نمایند، نباشد. اما، آنها ممکن است از کشور میزبان و سایر کشورها به شکل مستقیم یا غیر مستقیم حمایت گردد. این تعریف با وصف آنکه شامل تمام گروپ های مسلح غیر قانونی نمی شود، ولی شامل گروپ های ذیل می گردد: گروپ های شورشی مخالف، ملیشه های محلی (که شامل ملیشه های نژادی، قومی و سایر گروپ های مشابه می شود)، شورشیان، تروریست ها، نیروهای دفاع مدنی و گروپ های شبه نظامی (البته زمانی که آنها بطور واضح خارج از کنترل دولت عمل می کنند).^۱ این گروپ های مسلح بر اساس قوانین افغانستان، مبنای قانونی ندارند.

یوناما، عناصر مخالف دولت را که در این گزارش از آن نام برده شده به عنوان گروپ های مسلح غیر دولتی تلقی نموده اما آنها را نسبت به مبنای مخالفت مسلحانه شان علیه دولت افغانستان، متمایز می پندارد.

AXO: مواد انفجاری بجا مانده؛ به مهمات انفجاری گفته می شود که در جریان جنگ های مسلحانه استفاده نگردیده، بلکه آن مهمات بجا مانده یا اینکه در انبار، زباله یا اشغال انداخته شده است. طوریکه مواد متذکره از تحت کنترل نیروهای

^۱ مذاکرات بشر دوستانه ملل متحد با گروپ های مسلح: یک کتاب راهنما برای متخصصین مربوطه، گیرارد مک هاک و مانیول بیسلر، دفتر هماهنگی امور بشر دوستانه(OCHA)، نیویورک، جنوری ۲۰۰۶. به بخش ۳.۲ مشخصات گروپ های مسلحانه مراجعه گردد.

که آنها را بجا گذاشته و رها نموده است، خارج باشد. مهمات انفجاری بجا مانده ممکن دارای چاشنی باشد، ممکن دارای فیوز فعال باشد، ممکن آماده انفجار باشد، یا اینکه چنین نباشد. در غیر آن صورت معمولاً برای استفاده تهیه می گردد. (کنوانسیون مربوط به سلاح های مشخص متعارف، پروتکل ۷).

تلفات افراد ملکی: شامل کشته شده گان و زخمی های افراد ملکی می گردد و میتوان آن را به دو دسته ذیل تقسیم نمود:

• **تلفات مستقیم:** تلفاتی که بطور مستقیم از درگیری های نظامی ناشی میشود و شامل تلفات برخاسته از عملیات های نظامی انجام شده توسط نیروهای دولتی و نیروهای نظامی بین المللی می گردد. مثلاً رویداد های محافظت از نیروها، حملات هوایی، عملیات های تلاشی و دستگیری، مبارزه در مقابل شورشیان یا عملیات های ضد تروریسم. این گونه تلفات شامل تلفاتی نیز میگردد که در نتیجه فعالیت های گروههای مسلح غیر دولتی صورت می گیرد. مانند کشتارهای سازمان یافته، تلفات ناشی از مواد منفجره جاسازی شده و یا درگیریهای مستقیم با نیروهای طرفدار دولت.

• **سایر عوامل یا اسباب غیر مستقیمی که منجر به تلفات می گردد:** تلفاتی که بصورت غیر مستقیم از درگیری ها ناشی می شود، قرار ذیل می باشد: "تلفات ناشی از مواد منفجره باقی مانده از دوران جنگ، مرگ در زندان، مرگ ناشی از بدتر شدن احتمالی اوضاع بهداشتی که در جریان عملیات های نظامی رخ می دهد و یا زمانی که دسترسی به مراقبت های صحیح ممنوع گردیده یا موجود نباشد. این گونه تلفات می تواند مرگ ناشی از حوادثی را نیز شامل شود که عامل آن را به هیچ وجه نمی توان مشخص ساخت. مانند مرگ یا جراحت های ناشی از واقعاتی که طرف مسئول آن را به هیچ صورت نمی توان تعیین کرد.

اطفال: بر اساس کنوانسیون حقوق طفل، "طفل" به کسی گفته می شود که زیر سن ۱۸ سال (مشمول بدو تولد تا ختم ۱۷ سال) باشد. در ضمن اساننامه روم در مورد محکمه جنایی بین المللی که در سال ۲۰۰۳ از سوی افغانستان نیز به تصویب رسیده بود، خدمت اجباری یا شامل نمودن اطفال زیر سن ۱۵ سال در نیروهای مسلح دولتی و یا گروه های مسلح غیر دولتی و استفاده از اطفال برای مشارکت فعال در خصومت ها را جرم شمرده است. (به جزء (XXVI) فقره (ب) بند (۲) ماده ۸ و جزء (VII) فقره پنجم بند ۲ ماده ۸ مراجعه شود).

غیر نظامیان: به موجب مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی، کسانی "غیر نظامیان" به حساب می آیند که مبارز (عضو نیروهای نظامی یا شبه نظامی) نمی باشند و یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته یکی از طرف های درگیر نباشند. در صورتی که غیر نظامیان بطور مستقیم در درگیری های نظامی شرکت کنند، محافظت خویش را ممکن از دست بدهند. نظامیان و جنگجویانی که از صفوف جنگ خارج شده، مثل (مجروح، مریض، اشخاصی که کشتی شان غرق می شود، توقیف و یا تسلیم می گردند) و یا کسانی که مربوط به بخش های صحی یا مذهبی نیروهای مسلح باشند، باید در برابر حملات محافظت شوند.

COM-ISAF: فرمانده نیروی های بین المللی یاری به امنیت در افغانستان (یا آیساف).

EOF Incidents: حادثات مربوط به افزایش عکس العمل نیروها در مقابل یک پدیده مشکوک است، که تحت عنوان "محافظت از نیروها" نیز یاد شده است: زمانی که افراد در هنگام نزدیک شدن به کاروان های نظامی یا سبقت گرفتن از آن به هشدار افراد نظامی توجه نکنند و یا هم در پوسته های تلاشی از دستورالعمل ها سرپیچی نمایند، این حوادث اتفاق می افتد. آیساف افزایش عکس العمل نیروها را چنین تعریف می کند: «یک پروسه دفاعی است که هدف آن تعیین وجود یک تهدید، تعیین حدود نهایی آن بوده و در صورت ضرورت رویارویی با تهدید از طریق پاسخ دفاعی مناسب به آن برای حفاظت از نیروها می باشد.» (مقر فرماندهی آیساف، ۳۱ جنوری ۲۰۱۴).^۲

^۲ مصاحبه یوناما با آیساف، ۳۱ جنوری ۲۰۱۴، کابل.

ERW: بقایای مواد انفجاری از دوران جنگ و نیز به نام مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک یاد می گردد.

IDP: بیجا شدگان داخلی.

مواد انفجاری تعبیه شده: یعنی بمبی که برخلاف روش متعارف نظامی ساخته و یا جاسازی شده باشد. مواد انفجاری تعبیه شده می تواند به اشکال ذیل مشاهده شود: "بصورت بمب انتحاری، مانند مواد انفجاری پوشیده شده توسط شخص، مواد انفجاری تعبیه شده کنترل از طریق رادیو (راه دور)، مواد انفجاری جاسازی شده در موتر، موتر انفجاری که انفجار آن از طریق لین کنترل می شود، مواد انفجاری که با تماس قربانی خودش فعال می گردد و یا مواد انفجاری بشقاب ماندی که با آوردن فشار منفجر می گردد."

استحصال مواد انفجاری: استحصال و بهره برداری مواد انفجاری تعبیه شده شامل موارد ذیل می گردد: تشخیص، جمع آوری، تولید و توزیع نمودن معلومات جمع آوری شده از ساحه حادثه مواد انفجاری به منظور به دست آوردن اطلاعات قابل استفاده، بخاطر تقویت طرزالعمل و میتود مبارزه با مواد انفجاری و به جهت کاهش منابع شورشیان و بخاطر تقویت پروسه تعقیب عدلی آنها. این استحصال شامل حفظ، تشخیص و ترمیم عناصر مواد انفجاری تعبیه شده برای آزمایش های تخنیکی، قانونی، بایومتریکی و تحلیلی گردیده که توسط نهادهای متخصص انجام می گیرد. استحصال مواد انفجاری تعبیه شده یک بخش اساسی اقدامات مؤثر و قوی علیه مواد انفجاری می باشد.

حادثات (Incidents): زمانی صورت می گیرد که افراد ملکی در اثر درگیری های نظامی تلف شوند. گزارش تلفات ناشی از فعالیت های مجرمانه، شامل گزارشات تلفات افراد ملکی یوناما نمی شود.

IHL: حقوق بشر دوستانه بین المللی.

IM Forces: "نیرو های نظامی بین المللی" شامل تمام سربازان خارجی می گردد که بخشی از نیروهای آیساف و نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان، بشمول نیروهای مربوط به عملیات تحکیم آزادی که تحت فرماندهی فرمانده آیساف قرار دارند، را تشکیل می دهند. در ضمن این واژه آنچه از نیروهایی را نیز در بر می گیرد که تحت فرماندهی آیساف عمل نکرده و شامل تعداد نیروهای ویژه و دیگر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی میباشد.

Injuries: به معنای جراحات جسمی با میزان شدت متفاوت یاد می گردد. میزان شدت جراحات ها در دیتابیس بخش حقوق بشر یوناما ثبت نمی شود. جراحات ها شامل شوک یا صدمه های غیر فزیک و روانی و یا نتایجی که از اثر حادثات به بار می آید مانند ضربه روحی، نمی گردد.

ISAF: نیروهای بین المللی کمک به امنیت در افغانستان. آیساف بر اساس فصل ۷ منشور ملل متحد مأموریت تأمین صلح را به عهده دارد. این نیروها تحت صلاحیت شورای امنیت ملل متحد اعزام شده است. در اگست ۲۰۰۳، ناتو بر اساس درخواست دولت افغانستان و ملل متحد، فرماندهی آیساف را به عهده گرفت. نیروهای آیساف تا تاریخ ۱۵ جنوری سال ۲۰۱۴؛ تقریباً شامل ۵۷۰۰۴ نفر از ۴۹ کشور مساعدت کننده نیرو می گردید که در شش سلسله فرماندهی ساحوی به علاوه مقر فرماندهی آیساف در کابل مستقر می باشند. از نومبر ۲۰۰۸ بدین سو، فرمانده آیساف به عنوان فرمانده نیروهای امریکایی در افغانستان نیز خدمت می کند، در حالیکه سلسله فرماندهی هر دو نیرو جداگانه می باشد. قطعنامه ۲۱۲۰ (۲۰۱۳) شورای امنیت یکبار دیگر بر قطعنامه های قبلی در مورد تمدید مأموریت آیساف به مدت ۱۲ ماه دیگر الی ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ تأکید می نماید.

MoI: وزارت امور داخله.

NATO: سازمان پیمان اتلانتیک شمالی. اعضای ناتو عمده ترین کشور های سهم در آیساف می باشند. به آیساف مراجعه شود.

NDS: ریاست امنیت ملی افغانستان یا استخبارات دولتی افغانستان.

NGO: سازمان غیر دولتی.

Pro-Government Forces (PGF): نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهایی دولتی و سایر نیروهایی را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریسم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی.

نیروهای امنیتی افغانستان شامل دسته های ذیل می گردد: اولاً اردوی ملی که تحت چتر وزارت دفاع کار نموده و بطور رسمی در چارچوب نیروهای مسلح افغانستان جا می گیرد. ثانیاً پولیس محلی که با توجه به وظیفه شان و اینکه از محافظت قانونی مشابه به افراد ملکی بر خوردار نمی باشد، عملاً بخشی از نیروهای مسلح را تشکیل می دهد. و نیز پولیس ملی، پولیس های با یونیفورم و پولیس سرحدی نیز شامل می شود که به شکل رسمی بخشی از نیروهای مسلح افغانستان بشمار نمی رود و تحت چتر وزارت داخله کار می نمایند. اعضای نهادهای مجریان قانون زمانی حیثیت ملکی بودن خود را از دست می دهند که در کنار نیروهای مسلح کار کرده و یا به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرند. پولیس هایی که علیه آنها حمله صورت می گیرد و آنها از خود دفاع می نمایند، حیثیت ملکی بودن خود را از دست نمی دهند.

این اصطلاح همچنین شامل نیروهای بین المللی و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی نیز می شود (به نیروهای بین المللی نگاه کنید).

SOP: طرز العمل های معیاری عملیاتی.

قتل های هدفمند یا کشتار سازمان یافته: قتل های هدفمند یا کشتار سازمان یافته زمانی گفته می شود که دولت و عناصر دولتی که تحت چتر قانون کار می کنند (و یا عین عمل توسط گروه سازمان یافته در یک منازعات مسلحانه) از نیروی کشنده به شکل عمدی، قصدی و با پلان از قبل طرح شده اشخاصی معینی را که بطور فزیکتی در تحت توقیف مرتکبین قرار ندارند، به قتل برسانند. هر چند در بسیاری از حالات کشتار هدفمند و سازمان یافته حق حیات را نقض می کند، اما در بعضی از شرایط استثنایی جنگ مسلحانه ممکن قانونی باشد.^۳

UNDSS: دفتر مصئونیت و امنیت ملل متحد.

UNAMA: هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان.

UNHCR: کمیشنری عالی ملل متحد در امور مهاجرین.

USSOFF: نیروهای عملیات های ویژه ایالات متحده امریکا.

UXO: مواد منفجر ناشده.

جرایم جنگی: جرایم جنگی، نقض های شدید قواعد معاهده ای و عرفی حقوق بشردوستانه بین المللی است. مطابق اساسنامه محکمه بین المللی جنائی، ماده ۸ حقوق عرفی بین المللی هم بر جنگ بین المللی و هم بر جنگ داخلی قابل اعمال می باشد. همچنین این اساسنامه جرایم جنگی را نقض شدیدی حقوق بشر دوستانه بین المللی تعریف می نماید. دولت ها نیز قاعده متذکره را به عنوان یک نورم حقوق عرفی بین المللی به رسمیت شناخته است - قاعد ۱۵۶ - تعریف جرایم جنگی - کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشردوستانه بین المللی، جلد ۱، Rules ed. Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck (CU P/ICRC, Cambridge 2005) {ICRC Study}.

^۳ به گزارش گزارشگر ویژه در مورد قتل های فرا قضایی و خود سرانه، در فقره ۳ صورت جلسه چهاردهمین جلسه شورای حقوق بشر مجمع عمومی سازمان ملل متحد مراجعه گردد. فلیپ آلسون. ضمیمه "مطالعه قتل های سازمان یافته" 10 May 2010 A/HRC/14/24/Add.6.

به پروتکل الحاقی دوم، فقره ۲ ماده ۱۳ مراجعه گردد. هم چنان به جزء آی، بند سی، فقره ۲ ماده ۸ اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی که از عناصر جرم بحث کرده، مراجعه گردد. جرایم جنائی شامل نقض های شدیدی حقوق و عرف جنگی قابل اعمال بر یک جنگی که وجه بین المللی ندارد (که این موضوع مقدمتاً مبتنی است بر: ماده سوم مشترک در کنوانسیون های چهارگانه ۱۹۴۹ ژینو، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ آن، پروتکل اختیاری ۱۹۹۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ هاک برای محافظت از مالکیت های فرهنگی در جنگ های مسلحانه، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق طفل، کنوانسیون ۱۹۹۴ امنیت ملل متحد و کارمندان مربوطه، اساسنامه های دیوان جنائی بین المللی برای رواندا و یگوسلاویای سابق و اساسنامه محکمه ویژه برای حکومت سیرالیون (کشوری در غرب افریقا). به جرایم جنگی بر اساس اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی و منابع شان در جدول مقایسوی حقوق بشر دوستانه بین المللی مراجعه گردد. خدمات مشاورت کمیته بین المللی صلیب سرخ در مورد حقوق بشر دوستانه بین المللی. اساسنامه محکمه جنایی بین المللی (اساسنامه روم) جرایم جنگی را چنین تعریف می نماید: نقض شدیدی حقوق و عرف قابل اعمال در جنگ بین المللی و نیز نقض جدی حقوق و عرف قابل اعمال در جنگی که وجه بین المللی ندارد را جرایم جنگی گوید. جرایم جنگی شامل نقض شدیدی ماده ۳ کنوانسیون ژنیو بشمول تخطی علیه حیات یک شخص، بطور مشخص تمام انواع قتل، قطع عضو، تعذیب و رفتارهای ظالمانه، تخطی علیه کرامت انسانی بطور مشخص تحقیر و توهین کردن، گروگان گرفتن، تصویب مجازات و ارتکاب قتل بدون اینکه جزای مربوطه توسط یک محکمه مبتنی بر قانون اعلان شده باشد. و اینکه قتل، بدون در نظر داشت فرایند محاکماتی، و نیز بدون فراهم نمودن تضمینات قضائی که آن تضمینات بطور عموم حیاتی تلقی می گردد، صورت گرفته باشد.

میتودولوژی یا روش شناسی

یوناما تا حدی که امکان دارد با اجرای تحقیقات در ساحت رویدادها، با انجام مشوره با یک سلسله منابع متنوع و با توجه به انواع اطلاعاتی که با اطمینان و با اعتبار ارزیابی می گردد، گزارش ها در مورد تلفات افراد ملکی را تحقیق می نماید. در زمان تحقیق و بررسی هر رویداد، یوناما نهایت تلاش خود را بکار می برد تا اطلاعات بدست آمده را تا جایی که ممکن است با منابع متنوع بشمول "شاهدان عینی، افراد آسیب دیده، فعالین نظامی (بشمول دولت افغانستان و نیروهای نظامی بین المللی)، مسئولین محلی در روستاها، ولسوالی ها و ولایات، رهبران مذهبی و اجتماعی را بررسی مجدد نموده و به اثبات برساند. این معلومات از طریق بازدید مستقیم، آزمایش فیزیکی اقلام و شواهد جمع آوری شده از محل حادثه، بازدید از شفاخانه و دیگر مراکز صحی، عکس ها و تصاویر ویدیویی، گزارش ریاست مصئونیت و امنیت ملل متحد و دیگر نمایندگی های آن، گفته های منابع دست دوم، گزارش رسانه ها و اطلاعات جمع آوری شده از سوی نهادهای غیر دولتی و طرف های سوم" به دست می آید.

تا جایی که ممکن باشد، تحقیقات بر اساس شهادت اولیه قربانیان، شاهدان صحنه و تحقیقات در محل صورت می گیرد. در بعضی موارد، بخصوص جایی که به علت محدودیت های امنیتی دسترسی امکان ندارد، این گونه تحقیقات در ابتدا امکان پذیر نیست. در این گونه موارد، یوناما بر یک سلسله تکنیک ها برای جمع آوری اطلاعات، بخصوص از طریق شبکه های معتبر و باز هم از طریق یک سلسله منابع متنوعی که آن منابع معتبر ارزیابی گردیده، اتکاء می کند.

هرگاه اطلاعات مربوط به یک رویداد برای یوناما قناعت بخش نباشد، در آنصورت رویداد متذکره گزارش داده نمی شود. در بعضی موارد، تحقیقات چندین هفته را در بر گیرد قبل از آنکه نتیجه گیری صورت گیرد. این مسئله بدین معناست که نتیجه گیری ها در یک گزارش در مورد تلفات ملکی ناشی از یک رویداد میتواند با کسب اطلاعات بیشتر دوباره بررسی گردیده و در تحلیل ها گنجانیده شود. هرگاه اطلاعات واضح و روشن نباشد، در آنصورت تا زمان کسب مدارک قناعت بخش، نتیجه گیری صورت نمی گیرد و یا بدون نتیجه گیری قضیه بسته می گردد و نیز در گزارشی که از ارقام تلفات افراد ملکی تذکر به عمل می آید، قضایای بسته شده گنجانیده نمی شود.

در بعضی موارد غیر متخاصم بودن قربانیان گزارش داده شده را نمی توان بطور قطعی مشخص ساخت و یا مورد اختلاف می باشد. در این گونه موارد، یوناما از معیارهای قابل اعمال حقوق بشر دوستانه بین المللی استفاده نموده و طوری فرض نمی کند که مردانی که در سن جنگ قرار دارند ملکی اند یا جنگجو، بلکه این گونه ادعاهای مربوط به ملکی یا جنگجو بودن قربانیان را بر اساس واقعیت های موجود در مورد همان رویداد ارزیابی می کند. هرگاه وضعیت یک یا چند قربانی نامشخص باقی می ماند، در آنصورت مرگ آنها در شمار مجموع تلفات افراد ملکی گنجانیده نمی شود.

یوناما یک دیتابیس را در سال ۲۰۰۹ میلادی ایجاد نمود تا تحلیل ها و گزارش های خود در مورد محافظت از غیر نظامیان در درگیری های مسلحانه را تقویت کند. این دیتابیس بخاطر تسهیل جمع آوری اطلاعات به شکل منظم، تحلیل و ارزیابی منسجم و مؤثر اطلاعات، منجمله تفکیک اطلاعات بر اساس سن، جنس، مرتکبین حادثه، تاکتیک، نوع سلاح و دسته بندی های دیگر طراحی شده است.

یوناما نهایت تلاش می نماید تا حد امکان طرف مسئول یک حادثه مشخص را معین نماید. هر چند به علت محدودیت های ناشی از محیط عملیات ها، مانند ماهیت مشترک بعضی از عملیات های نظامی و عدم توانایی منابع اولیه در بسیاری از رویدادها برای تشخیص دقیق یا تفکیک میان طرفهای مختلف نظامی و شورشیان یا زمانی که هیچ یک از طرف ها مسئولیت را به عهده نمی گیرند، در همچو موارد یوناما مسئولیت یک رویداد مشخص را به دسته بندی عمومی نیروهای طرفدار دولت و یا عناصر ضد دولتی نسبت میدهد. یوناما ادعا نمی کند که ارقام ارائه شده در این گزارش کامل می باشد؛ اما این احتمال وجود دارد که یوناما تلفات افراد ملکی را با توجه به محدودیت های مرتبط به محیط جنگی کمتر گزارش داده باشد.

چارچوب حقوقی

چارچوب حقوقی که برای این گزارش استفاده گردیده است؛ شامل حقوق جزای بین المللی، قواعد مربوط به حقوق بشر بین المللی، حقوق بشر دوستانه بین المللی، قوانین مللی و قطعنامه های نافذ شورای امنیت سازمان ملل متحد در افغانستان، می گردد.^۴ تمام اسناد فوق الذکر، تعهداتی را به ارتباط محافظت افراد ملکی در جریان جنگ در افغانستان بوجود آورده که این تعهدات در بخش بعدی تشریح می گردد.

مسئولیت های حقوقی طرف های درگیر در جنگ مسلحانه

یوناما بر این نظر است که جنگ افغانستان یک نبرد داخلی بوده که در آن دولت افغانستان و نیروهای امنیتی شان با حمایت نیروهای نظامی بین المللی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان" به آن اشاره می شود) با گروه های مسلح غیر دولتی (که در این گزارش و در داخل افغانستان به عنوان "عناصر ضد دولتی" به آن اشاره می شود) مصروف جنگ می باشد.

نیروهای طرفدار دولت

نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهای دولتی و سایر نیروهایی را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریسم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی.

نیروهای امنیتی افغانستان شامل دسته های ذیل می گردد: اولاً اردوی ملی که تحت چتر وزارت دفاع کار نموده و بطور رسمی در چارچوب نیروهای مسلح افغانستان جا می گیرد. ثانیاً پولیس محلی که با توجه به وظیفه شان و اینکه از محافظت قانونی مشابه به افراد ملکی بر خوردار نمی باشد، عملاً بخشی از نیروهای مسلح را تشکیل می دهد. و نیز پولیس ملی، پولیس های با یونیفورم و پولیس سرحدی نیز شامل می شود که به شکل رسمی بخشی از نیروهای مسلح افغانستان بشمار نمی رود و تحت چتر وزارت داخله کار می نمایند. اعضای نهادهای مجریان قانون زمانی حیثیت ملکی بودن خود را از دست می دهند که در کنار نیروهای مسلح کار کرده و یا به شکل مستقیم در جنگ ها سهم بگیرند. اگر علیه پولیس هایی که به هیچ عنوان نقش جنگی ندارند، حمله صورت می گیرد و آنها از خود دفاع می نمایند، آنها حیثیت ملکی بودن خود را از دست نمی دهند.

طبقه بندی "نیروهای طرفدار دولت" ممکن است شامل گروه هایی شود که درگیر در مخاصمه مسلحانه هستند، زمانی که این گروه ها به طور موثر قسمتی از نیروهای مسلح یک طرف درگیر در مخاصمه را تشکیل می دهند، به عنوان مثال زمانی که عملیات های امنیتی و ضد شورش را تحت امر غیر رسمی یک مقام دولتی، مانند قومندان امنیه یا افسر امنیت ملی یا ولسوال انجام می دهند.

این اصطلاح همچنین شامل نیروهای بین المللی و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی نیز می شود.

^۴ قطعنامه نمبر ۲۰۹۶ سال ۲۰۱۳ شورای امنیت ملل متحد مسئولیت های تمام طرفهای درگیر را جهت اطاعت از مقررات حقوق بین المللی (حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی) برجسته می سازد. و نیز از طرفهای درگیر می خواهد که اقدامات مناسبی را روی دست گیرد تا از محافظت افراد ملکی اطمینان حاصل گردد.

عناصر مخالف دولت

عناصر مخالف دولت یک اصطلاحی هست که به افراد و گروه های مسلح غیر دولتی که در حال حاضر در جنگ ها دخیل بوده و در مخالفت با نیروهای حکومتی و بین المللی می جنگند، خطاب می گردد. اینها نیروهای طالبان و هم چنان افراد و گروه های مسلح منسجم غیر دولتی را که بطور مستقیم در جنگ ها سهم می گیرند و به نام های مختلف مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار، جنبش ملی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد یاد می شوند، شامل می گردد.

دسته بندی عناصر مخالف دولت، گروه های مجرمین مسلح را شامل نمی گردد، مگر اینکه همچون گروهها بطور مستقیم در منازعات مسلحانه از جانب یک طرف درگیر در جنگ دخیل گردند.^۵

تمام طرفهای درگیر در منازعه یعنی نیروهای امنیتی افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی، بر اساس حقوق بین الملل، مسئولیت آشکار در قبال محافظت از افراد ملکی دارند.

الف) مکلفیت ها بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی

افغانستان عضو کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و عضو پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷^۶ می باشد که در آن به محافظت غیرنظامیان در درگیری های مسلحانه داخلی پرداخته شده است. این پروتکل حمله علیه افراد ملکی و حمله بر اهدافی که موجودیتش برای نجات جمعیت غیرنظامی ضروری است را منع می نماید.

ماده ۳ مشترک در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو، حداقل معیارهایی که طرف های درگیر بشمول دولت ها و طرفهای غیر دولتی درگیر در یک جنگ مسلحانه داخلی باید رعایت کنند را تعیین نموده است. ماده ۳ مشترک، از طریق منع قرار دادن صریح قتل^۷، خشونت، قتل های فرا قضائی، تعذیب، قطع عضو و سایر انواع خشونت^۸. این رفتارها را، همیشه در هر زمان و مکانی منع قرار داده است.

^۵ این بخش "تعاریف" چارچوب حقوقی را تعقیب می کند که در منابع زیر آمده است: تعریف جنگجو، فصل های ۲.۴ تا ۳.۴. تنظیم شده در وزارت دفاع انگلستان؛ کتاب راهنما در مورد حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه اکسفورد، اکسفورد ۲۰۰۴؛ و کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، قاعد ۳. تمام اعضای نیروهای مسلح یک طرف درگیر در جنگ به، استثنای کارمندان طبی و مذهبی، جنگجو تلقی می گردد.

^۶ افغانستان، پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ را به تاریخ ۱۰ نومبر ۲۰۰۹ تصویب نمود که پروتکل موصوف به تاریخ ۲۴ دسمبر ۲۰۰۹ نافذ گردید.
^۷ در مورد جرم جنگی قتل، طوریکه توسط اساسنامه روم در مورد محکمه جنائی بین المللی، تعریف گردیده است، یوناما اصطلاح "قتل عمدی افراد ملکی" را طوری استفاده می نماید که اصطلاح متذکره شامل قتل های هدفمند شود تا عملی را توصیف کند که به حد جرایم جنگی ناشی از قتل میرسد و طوریکه از جنایت ناشی از قتل توسط افراد خصوصی خارج از حیطه منازعات مسلحانه، متمایز گردد. اصطلاحاتی چون "قتل های هدفمند"، "قتل های فرا قضائی" و "قتل عمدی" بعضی موقع به این خاطر استفاده می گردد که قتل عمدی افراد ملکی توسط طرفهای جنگ مسلحانه در حیطه منازعات مسلحانه داخلی در افغانستان، را توضیح دهد. قتل هدفمند محدود به افراد ملکی نیست، بلکه یک نیروی رزمنده نیز می تواند هدف یک قتل هدفمند قرار گیرد.

^۸ ماده ۳ مشترک در کنوانسیون چهارگانه ۱۲ اگست ۱۹۴۹ بر یک جنگی که خصیصه بین المللی ندارد، قابل اعمال می باشد. در صورت بروز جنگ مسلحانه داخلی در قلمروی یکی از دولت های طرف کنوانسیون، هر یکی از طرف های درگیر باید بر اعمال حداقل معیارهای ذیل ملزم باشد: (۱) اشخاصی که به شکل فعال در جنگ سهم نمی گیرند، بشمول اعضای نیروهای مسلحی که سلاح های شان را به زمین گذاشته اند و کسانی که بخاطر بیماری، جراحت، توقیف شدن یا سایر عوامل، غیر نظامی تلقی می گردند؛ باید با آنها در تمام حالات برخورد انسانی صورت بگیرد، بدون اینکه تمایزی از لحاظ نژاد، زنگ، مذهب، دین، جنس، تولد یا سرمایه یا سایر معیارهای مشابهی، قابل گردد. بدین لحاظ رفتارهای ذیل باید همیشه و در هر زمان و مکانی بخاطر احترام به افراد فوق الذکر، ممنوع تلقی گردد: الف) خشونت علیه حیات و تمامیت افراد، و بطور مشخص تمام انواع قتل ها، قطع عضو، رفتار ظالمانه و شکنجه؛ ب) گروگان گیری؛ ج) تخطی علیه کرامت انسانی، و بطور مشخص تحقیر و توهین کردن؛ د) تعیین مجازات و اجرای اعدام بدون اینکه جزای مربوطه توسط یک محکمه منظم مبتنی بر قانون اعلان شده باشد و نیز اعدام هایی که بدون در نظر داشت فرایند محاکماتی، و نیز بدون فراهم نمودن تضمینات قضائی که آن تضمینات بطور عموم حیاتی تلقی می گردد، صورت گرفته باشد.

قواعد متعددی در کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل های الحاقی آن، بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد.^۹ مرتبط ترین اصولی که بر رفتار نیروهای مسلح افغان، نیروهای نظامی بین المللی و گروه های مسلح غیر دولتی به عنوان طرف های درگیر در جنگ داخلی افغانستان قابل اعمال می باشد، به شرح ذیل می باشد:

- اصل تشخیص یا تفکیک: جمعیت غیر نظامی و همچنین افراد ملکی نباید مورد حمله قرار گیرند.^{۱۰}
- اصل تناسب: "حمله ای که احتمال تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به غیرنظامیان، صدمه به اهداف ملکی و یا ترکیبی از آنها در آن وجود داشته باشد، که از منفعت محسوس و مستقیمی که از بُعد نظامی بدست می آید، فراتر رود، منع گردیده است"^{۱۱}.
- اصل احتیاط در حمله: "...غیرنظامیان در برابر هر گونه خطر ناشی از عملیات های نظامی باید از مصئونیت همه جانبه برخوردار باشند"^{۱۲}. در زمان انجام عملیات نظامی، "باید مراقبت دائمی صورت گیرد تا جمعیت غیر نظامی و اهداف ملکی را تفکیک نمود" و از هر گونه احتیاط ممکن کار گرفته شود تا از "هر گونه تلفات اتفاقی افراد ملکی، جراحت به آنها و صدمه به اهداف غیر نظامی جلوگیری شده و یا به حداقل رسانده شود"^{۱۳}.

همه کشورهایی که در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی در افغانستان سهم دارند، امضاء کنندگان کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو می باشند. هرچند تمام کشورهای کمک کننده نظامی، امضاء کننده پروتکل الحاقی اول و پروتکل الحاقی دوم ۱۹۷۷ نیستند، اما تمام این نیروها به آن قواعد حقوقی مربوطه که بخشی از حقوق عرفی بین المللی را تشکیل میدهد، مقید می باشند.

ب) مکلفیت ها بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر

قواعد بین المللی حقوق بشر هم در زمان جنگ و هم در زمان صلح قابل اعمال می باشد. قواعد بین المللی حقوق بشر همراه با حقوق بشر دوستانه بین المللی به شکل متمم و مکمل هم دیگر یکجا تطبیق می گردد.

افغانستان امضاء کننده چندین معاهده بین المللی حقوق بشر^{۱۴}، بشمول کنوانسیون بین المللی حقوق سیاسی و مدنی می باشد که این کنوانسیون، دولت افغانستان را متعهد می سازد تا حقوق بشری تمام شهروندان را در داخل سرحدات یا حوزه صلاحیت شان تأمین نموده و از آن محافظت نماید.

در حالیکه طرفهای غیر دولتی در افغانستان، بشمول گروه های مسلح غیر دولتی، نمی توانند بصورت رسمی طرف معاهدات بین المللی حقوق بشر قرار بگیرند، اما طرفهای غیر دولتی که به شکل غیر رسمی بر بعضی ساحات کنترل دارند، مانند طالبان، به طور روزافزونی ملتزم به تعهدات بین المللی حقوق بشر پنداشته می شوند.^{۱۵}

^۹ به کمیته بین المللی صلیب سرخ، حقوق عرفی بشر دوستانه بین المللی، نویسندگان، جان ماری هینکارتز و لوئیس دوسوالد بک (CU P/ICRC, Cambridge 2005) مطالعه کمیته بین المللی صلیب سرخ، مراجعه گردد.

^{۱۰} پروتکل الحاقی ۲، بند (۲) ماده ۱۳

^{۱۱} پروتکل الحاقی ۱، بند (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. جهت اطلاعات بیشتر به ماده ۵۷ در مورد احتیاط در حمله مراجعه کنید.

^{۱۲} پروتکل الحاقی ۲، بند (۱) ماده ۱۳

^{۱۳} پروتکل الحاقی ۱، بند های (الف) و (ii) فقره ۲ و فقره (۱) ماده ۵۷.

^{۱۴} افغانستان عضو کنوانسیون ها و معاهدات ذیل می باشد: میثاق بین المللی حقوق سیاسی و مدنی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مصوب ۲۴ اپریل ۱۹۸۳. میثاق بین المللی محوی هر گونه تبعیض نژادی مصوب ۵ اگست ۱۹۸۳. کنوانسیون منع هر گونه خشونت علیه زنان، مصوب ۵ مارچ ۱۹۸۳. کنوانسیون منع شکنجه و انواع رفتار ظالمانه، برخورد یا مجازات تحقیر آمیز یا غیر انسانی، مصوب ۲۶ جون ۱۹۸۷. کنوانسیون حقوق کودکان مصوب ۲۷ اپریل ۱۹۹۴. پرتوکول اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد فروش، هرزه گری و هرزه نگاری کودکان، مصوب ۱۹ اکتوبر ۲۰۰۲. و همچنین پرتوکول اختیاری بر کنوانسیون حقوق کودک در مورد مشارکت کودک در درگیری های نظامی مصوب ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۳. منبع:

http://www.aihrc.org.af/English/Eng_pages/X_pages/conventions_af_z_party.html

بر اساس قواعد بین المللی حقوق بشر که در جریان جنگ قابل اعمال می باشد، دولت ها وظیفه دارند تا استفاده از نیروی کشنده توسط عواملشان را مورد بررسی قرار دهند،^{۱۶} بخصوص آن افرادی که مجریان و تطبیق کنندگان قانون تلقی می گردد. این وظیفه همراه با مسئولیتی که از عدم انجام آن ناشی می شود، از حق حیات سرچشمه گرفته است.^{۱۷} تحقیقی که توسط دولت صورت می گیرد، باید عاجل صورت گرفته و نیز جامع، بی طرفانه و مستقل باشد، تا با ضرورت های یک تحقیق مؤثر همخوانی داشته باشد.^{۱۸} و نیز بر تحقیق متذکره باید عموم مردم دسترسی داشته باشند.^{۱۹} وظیفه دولت در قبال تحقیق این گونه قضایا، بر تمام قلمروهای تطبیق قانون اعمال می گردد، بشمول آن قضایایی که در جریان منازعات مسلحانه اتفاق می افتد. عساکر ممکن فعالیت های وسیع مرتبط به تطبیق قانون را در جریان جنگ مسلحانه انجام دهند.^{۲۰}

ج) مکلفیت ها بر اساس حقوق جزای بین المللی

افغانستان در سال ۲۰۰۳ میلادی اساسنامه روم در مورد محکمه جزایی بین المللی را امضا و قبول نمود. بنابر این، افغانستان در برابر تحقیق و پیگیری جرایم بین المللی یعنی جرایم جنگی، جرایم علیه بشریت و کشتار جمعی در حوزه قضایی محاکم خود مسئولیت اولیه دارد. در صورتی که افغانستان نمی تواند و یا نمی خواهد این کار را انجام دهد، در آن صورت محکمه جزایی بین المللی با توجه به صلاحیتش می تواند به قضیه ای که در افغانستان صورت گرفته، رسیدگی نماید.

کشورهایی که نیروهای نظامی شان در تشکیل نیروهای نظامی بین المللی درگیر در جنگ افغانستان حضور دارد، نیز مسئولیت دارند تا جرایم بین المللی مورد ادعا که ممکن توسط اتباع شان در افغانستان صورت گرفته را تحقیق و مورد پیگیری قرار دهند.^{۲۱}

به طور مشخص، دولت ها مسئولیت دارند تا نقض فقره های (i) و (e) بند (۲) ماده ۸ اساسنامه روم در مورد محکمه جزایی بین المللی را تحقیق و مورد تعقیب عدلی قرار دهند. زیرا، در فقره های ماده متذکره چنین تصریح گردیده: "حملاتی که به

^{۱۵} به گزارش هیئت از کارشناسان سرمنشی عمومی ملل متحد در بخش پاسخ دهی در سریلانکا، مورخ ۳۱ مارچ ۲۰۱۱، پراگراف ۱۸۸ مراجعه کنید. همچنین به گزارش کمیسیون بین المللی بازرسی سرمنشی عمومی ملل متحد در مورد تحقیق بر تمام تخلفات از مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی در جمهوری عربی لیبیا تحت عنوان A/HRC/17/44 مورخ ۱ جون ۲۰۱۱ مراجعه کنید.

^{۱۶} به پراگراف ۹، ۱۰ و ۱۷ اصول ملل متحد در مورد تحقیق قتل های خود سرانه و غیر قانونی و جلوگیری مؤثر از آن که به تاریخ ۲۴ ماه می سال ۱۹۸۹ توسط قطع نامه شورای اجتماعی و اقتصادی (۱۹۸۹/۶۵) به تصویب رسید، مراجعه گردد.

^{۱۷} به توضیحات عمومی ذیل کمیته حقوق بشر ملل متحد مراجعه نمایید:

UNHRC, General Comment No. 31 (2004), § 15; UNHRC, General Comment No. 6 (1982), § 4; ECtHR, *McCann case*, § 169; ECtHR, *Kaya case*, § 86; ECtHR, *Ergi v. Turkey*, Application No. 23818/94, Judgment of 28 July 1998, §§ 82, 86; ECtHR, *Isayeva v. Russia*, Application No. 57950/00, Judgment of 24 February 2005, §§ 208-9, 224-5; IACiHR, *Abella (La Tablada) case*, § 244; IACiHR, *Alejandro case*, § 47; ACiHPR, *Civil Liberties case*, § 22.

^{۱۸} رجوع شود به:

IACiHR, *Abella (La Tablada) case*, § 412; ECtHR, *Özkan case*, § 184; ECtHR, *Orhan v. Turkey*, Application No. 25656/94, Judgment of 18 June 2002, § 335; ECtHR, *Isayeva et al. case*, § 210-11; ECtHR, *McCann case*.

^{۱۹} رجوع شود به:

ECtHR, *Hugh Jordan v. the United Kingdom*, Application No. 24746/94, Judgment of 4 May 2001, § 109; ECtHR, *Özkan case*, § 187; ECtHR, *Isayeva et al. case* § 213; ECtHR, *Isayeva case*, § 214.

^{۲۰} رجوع شود به:

C. Droege, "Distinguishing Law Enforcement from Conduct of Hostilities" P57-63 Expert Meeting "Incapacitating Chemical Agents" Law Enforcement, Human Rights Law and Policy Perspectives Montreux, Switzerland 24 To 26 April 2012 Available at <http://www.icrc.org/eng/assets/files/publications/icrc-002-4121.pdf>; Nils Melzer, "Conceptual Distinction and Overlaps between Law Enforcement and the Conduct of Hostilities," in *The Handbook of the International Law of Military Operations* (Oxford: Oxford University Press, 2010), pp. 43-44. Nils Milzer, *Human Rights Implications Of The Usage Of Drones And Unmanned Robots In Warfare*, Directorate-General For External Policies Of The Union, Policy Department (2013) Available at <http://www.europarl.europa.eu/delegations/en/studiesdownload.html?languageDocument=EN&file=92953>

^{۲۱} صرف نظر از اینکه دولت ها اساسنامه روم را امضا کرده باشند یا خیر، آنها بر اساس حقوق عرفی مسئولیت دارند تا نقض جدی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی را وقتیکه در قلمرو افغانستان که عضو محکمه بین المللی عدالت می باشد، فعالیت می کنند، مورد تحقیق قرار دهند. همانطور که بر اساس حقوق جزای بین المللی چنین مسئولیت دارند.

شکل عمدی علیه جمعیت غیر نظامی هدایت داده می شود و یا اگر این گونه حملات علیه افراد ملکی که مستقیماً در خشونت ها سهم ندارند، صورت می گیرد،^{۲۲} جنایت جنگی در جنگ داخلی به شمار می آید.

قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت ملل متحد

همان طوریکه شورای امنیت ملل متحد در قطعنامه ۱۳۲۵ شان تأکید نموده است، اعمال کامل نورم های مربوط به حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر در مورد زنان و دختران و مد نظر گرفتن اقدامات ویژه برای محافظت زنان و دختران از خشونت های مبتنی بر جنسیت در جریان منازعه مسلحانه برای تمام دولت ها، ضروری پنداشته می شود.^{۲۲}

(د) مکلفیت ها بر اساس قوانین داخلی

اعضای نیروهای مخالف دولت و اعضای نیروهای نظامی دولت افغانستان بر اساس قوانین جزایی افغانستان می توانند مورد پیگرد قانونی قرار گیرند. هم چنان، نیروهای بین المللی نیز در برابر نقض قوانین ملی کشور متبوع شان مسئول شناخته می شوند.

تعریف فرد ملکی

در زمینه قواعد حاکم بر روشها و ابزارهای جنگ، یوناما افراد ملکی را طوری تعریف می نماید که در حقوق بین المللی قبول شده باشد. سایرین و طرف های درگیر در منازعه افغانستان اصطلاح فرد ملکی را طوری تعریف می نمایند که در بخشهای بعدی مطرح خواهد گردید.^{۲۳}

یوناما تعریف "ملکی" را طوری بکار می برد که بتواند معیار های حقوق بشردوستانه بین المللی را منعکس نماید. در زمینه قواعد حاکم بر روشها و ابزارهای جنگ، "افراد ملکی" کسانی تلقی می شوند که به موجب حقوق بشردوستانه بین المللی، جنگجو (اعضای نیروهای نظامی یا شبه نظامی) یا عضو گروه های مسلح سازمان یافته ای که نقش جنگی مستمر داشته و مرتبط با یکی از جناح های درگیر هستند، نباشند. یک فرد ملکی موقف ملکی بودن خود را زمانی از دست می دهد که بصورت مستقیم در خشونت ها سهم می گیرد. کسی که عضو نیروی نظامی یا شبه نظامی یک گروه مسلح سازمان یافته بوده اما از میدان جنگ خارج شده باشند (مانند زخمی، بیمار، کشتی شکسته، بازداشتی و فرد تسلیم شده) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحنی نیروهای مسلح اند، همه این ها باید در برابر حمله محافظت شوند.

حقوق بشر دوستانه بین المللی برای طرف های درگیر در یک جنگ ضروری می پندارد تا در زمان اجرای عملیات های نظامی شان میان افراد غیر نظامی و جنگجویان تفکیک قابل شوند. کسانی که دیگر شورشی نبوده و یا دیگر در جنگ ها سهم نمی گیرند، محفوظ تلقی گردیده و نباید هدف قرار گیرند. و نیز جنگجویانی که دیگر از میدان جنگ خارج شده (مانند زخمی، بیمار، آنها که کشتی شان می شکنند و در حال غرق شدن است و بازداشت یا تسلیم شده اند) یا کسانی که مربوط به پرسونل مذهبی یا کارمندان صحنی نیروهای مسلح اند، همه این ها تحت اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی در برابر حمله یا هدف قرار گرفتن مصئون می باشند.

در ارتباط جنگ افغانستان، این گزارش حملاتی را علیه گروه های مختلف مردمی به ثبت رسانیده که شامل کارمندان ملکی، معلمین، کارمندان مراکز صحنی، کارمندان انتخابات و کسانی که در ارائه خدمات عامه سهم دارند، شخصیت های سیاسی و کارمندان اداری، کارمندان مؤسسات غیر دولتی، پرسونل پولیس ملکی که بطور مستقیم در جنگ دخیل نیستند و در عملیات های مبارزه با شورشیان سهم ندارند، می گردد.

^{۲۲} قطع نامه ۱۳۲۵ (۲۰۰۰) شورای امنیت. هم چنان به قطع نامه های ۱۸۲۰ (۲۰۰۸)، ۱۸۸۸ (۲۰۰۹)، ۱۸۸۹ (۲۰۰۹) و ۱۹۶۰ (۲۰۱۰) شورای امنیت مراجعه گردد.

^{۲۳} - به تعریف "افراد ملکی" استفاده شده توسط طالبان که در این گزارش نیز آمده، مراجعه نمایید.

خلاصه گزارش

در حدود ساعت ۱۰ قبل از ظهر بود و من در خانه نشسته بودم. ناگهان صدای فیر تفنگ شنیده شد و بعد از آن صدای یک انفجار قوی را شنیدم. از اثر نیروی انفجار تمام خانه ای ما به شدت تکان خورده و مملو از دود و غبار شده بود. کودکان و زنان از ترس گریه می کردند. بعد از مدت اندکی؛ انفجاری دیگری صورت گرفت و یک حمله کننده ای انتحاری جلیقه ای انفجاری اش را منفجر نموده بود. از خارج خانه؛ کاکا و پسران کاکایم مرا صدا نموده و کمک می خواستند، اما من نتوانستم بیرون بروم. بعداً، جسد بیجان یک طفل را در محوطه ای خانه ام پیدا نمودم. وقتی که در منزل بالا رفتم، قسمت های بدن اطفال را از سقف خانه ام مشاهده نمودم. پنج طفل از خانه ای همسایه ای ما در این حادثه به قتل رسیده بود.

- یکی از شاهدان حمله انتحاری پیچیده در بالای کنسولگری هندوستان در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار که به تاریخ سوم اگست صورت گرفت و در نتیجه؛ ۱۰ فرد ملکی کشته شده و ۲۳ فرد دیگر مجروح گردیده بود. بیشترین آمار تلفات را اطفال تشکیل میداد که در حال برگشت از یک مدرسه دینی در یک مسجد محل بود.^{۲۴}

منازعات مسلحانه در افغانستان؛ تلفات سنگینی را در سال ۲۰۱۳ بر افراد ملکی تحمیل نموده است. یافته های هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان نشان می دهد که در حدود ۲۹۵۹ فرد ملکی در سال جاری به قتل رسیده و ۵۶۵۶ فرد ملکی مجروح گردیده است.^{۲۵} مجموع تلفات افراد ملکی به ۸۶۱۵ نفر رسیده که در مقایسه عین مدت سال ۲۰۱۲ در حدود ۷ درصد در کشته شدگان، ۱۷ درصد در مجروحین و ۱۴ درصد در مجموع تلفات، افزایش رخ داده است.^{۲۶}

افزایش آمار کشته شدگان و مجروحین در سال ۲۰۱۳، عکس آن کاهشی را نشان میدهد که در سال ۲۰۱۲ به ثبت رسیده و مشابه به ارقام بالای هست که در سال ۲۰۱۱ منتشر شده بود.^{۲۷} از اول جنوری سال ۲۰۰۹ تا آخر سال ۲۰۱۳ در حدود ۱۴۰۶۴ فرد ملکی در اثر منازعات مسلحانه جان های شان را از دست داده اند.

یافته های یوناما نشان میدهد که در حدود ۷۴ درصد تلفات افراد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت^{۲۸} صورت گرفته، در حدود ۱۱ درصد تلفات به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود و حدود ۱۰ درصد تلفات از

^{۲۴} یوناما با یک فرد ۱۹ ساله در شهر جلال آباد به تاریخ ۴ اگست مصاحبه نمود. فرد متذکره شاهد حمله انتحاری پیچیده بوده و نیز با شش تا قربانی حادثه ای متذکره فامیل نزدیک می شد.

^{۲۵} یافته های وزارت داخله افغانستان نشان میدهد که در سال ۲۰۱۳؛ در خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه، در حدود ۱۳۰۳ فرد ملکی به قتل رسیده و ۲۶۱۹ فرد ملکی مجروح گردیده است. این معلومات به تاریخ ۳ فبروری ۲۰۱۴ از طریق وزارت خارجه به یوناما تسلیم گردیده است. لطفاً به ضمیمه ای دوم نیز مراجعه نمایید.

^{۲۶} بر اساس یافته های یوناما؛ در سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۷۶۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۴۸۲۱ فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع تلفات سال متذکره به ۷۵۸۹ فرد می رسید. به گزارش سال ۲۰۱۲ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه، در آدرس ذیل مراجعه گردد. <http://unama.unmissions.org/LinkClick.aspx?fileticket=K0B5RL2XYcU%3D>.

^{۲۷} بر اساس یافته های یوناما؛ در سال ۲۰۱۱ در حدود ۳۱۳۳ فرد ملکی به قتل رسیده و ۴۷۰۶ فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع تلفات سال متذکره به ۷۸۳۹ فرد ملکی می رسید. به گزارش سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه به آدرس ذیل مراجعه گردد:

http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf. همچنان به مأخذ نمبر ۹۶ در گزارش شش ماهه ای سال ۲۰۱۲ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی مراجعه گردد.

جنگ های زمینی بین نیروهای مخالف دولت و نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان، ناشی شده است. پنج درصدِ باقی مانده ای تلفات افراد ملکی را نمی توان به هیچ یکی از طرفهای درگیر بطور مشخص نسبت داد؛ زیرا عامل این تلفات؛ مواد انفجاری باقی مانده از جنگ می باشد.^{۲۹}

با انعکاس مجدد آن تاکتیک های که در گزارش شش ماهه ای ۲۰۱۳ یوناما برجسته شده بود، چنین میتوان گفت که مواد انفجاریکه توسط نیروهای مخالف دولت در ساحاتی مزدحم یا محل عبور و مرور افراد ملکی صورت می گرفت؛ عوامل اصلی جهت افزایش ارقام تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۳ می باشد. جنگ های زمینی رو به افزایشی که در آن افراد ملکی در میان فیرهای متقابل گیر می ماند؛ یک روند جدیدی بوده و عامل ۲۷ درصد تمام تلفات افراد ملکی می باشد.

زنان و کودکان در سال ۲۰۱۳، با یک روند رو به رشد متحمل آسیب جدی گردیده اند. خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه در حدود ۲۳۵ زن را به قتل رسانیده و به تعداد ۵۱۱ زن را مجروح نموده است. مجموع تلفات اینها به ۴۷۶ نفر رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲، در حدود ۳۶ درصد افزایش را نشان می دهد. در سال جاری در حدود ۵۶۱ کودک به قتل رسیده و ۱۱۹۵ کودک مجروح گردیده است. مجموع تلفات اینها به ۱۷۵۶ نفر رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۳۴ درصد افزایش را نشان می دهد. تاکتیک جدید و نگران کننده ای که باعث ازدیاد ارقام تلفات زنان و کودکان در سال ۲۰۱۳ گردیده؛ همانا جنگ های زمینی می باشد. که تاکتیک متذکره باعث ۳۹ درصد تمام تلفات زنان و کودکان بوده و سبب اصلی تلفات زنان و کودکان در سال ۲۰۱۳، تلقی می گردد. هرچند جنگ های زمینی بیشترین رقم زنان و کودکان را در سال ۲۰۱۳ مجروح ساخته، اما؛ مواد انفجاری تعبیه شده بزرگترین قاتل زنان و کودکان در سال ۲۰۱۳ معرفی گردیده است.

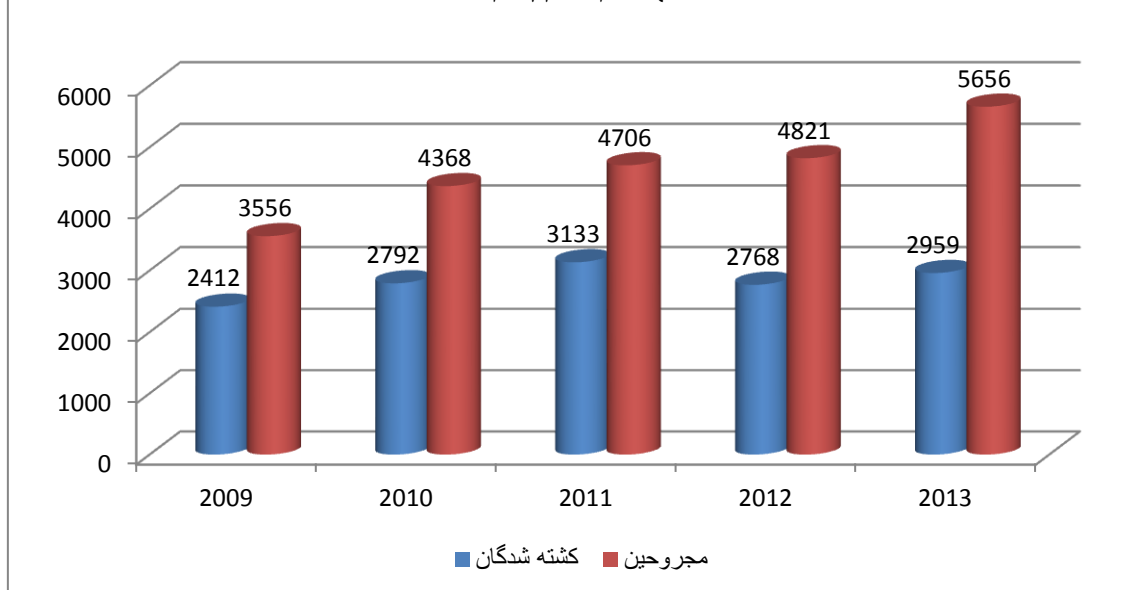
در شروع سال ۲۰۱۴؛ یوناما مجدداً از طرف های درگیر در منازعات مسلحانه بخصوص از نیروهای مخالف دولت تقاضا می نماید که به عنوان یک ضرورت؛ تأثیرات مخرب جنگ بر افغان های ملکی را متوقف سازد. افزایش استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده (که بین افراد ملکی و نظامی تفکیک کرده نمیتواند و نیز استفاده از آن غیر قانونی می باشد) توسط نیروهای مخالف دولت؛ باعث قتل و جرح هزارها افغان ملکی گردیده و آن هم در زمانیکه افراد ملکی به دنبال کارهای روزمره ای شان از خانه بیرون می رفتند. قتلهای هدفمند و سازمان یافته ای افراد ملکی و افزایش جنگ های زمینی میان شورشیان و نیروهای افغان؛ افراد ملکی را در خانه ها و در بین جامعه ای شان به شدت در معرض تهدید قتل و جرح قرار داده است.

یوناما بار دیگر از طرف های درگیر در منازعه مسلحانه دعوت به عمل می آورد که بر مبنای حقوق بشر دوستانه بین المللی بر مسئولیت های شان عمل نموده و تمام اقدامات لازم را جهت محافظت افراد ملکی از آسیب های جنگ، روی دست گیرند.

^{۲۸} عناصر ضد دولتی تمام افراد و گروه های مسلح و یا مخالفین مسلح را که در حال حاضر در درگیری های نظامی علیه دولت افغانستان و یا نیروهای نظامی بین المللی سهم دارند، در بر می گیرد. این اصطلاح همچنین به کسانی اطلاق می شود که به عنوان "طالبان" یا افراد و گروه های منسجم و مسلح غیر دولتی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم گرفته و با مشخصات یا هویت های مختلف شناخته می شوند. مانند شبکه حقانی، حزب اسلامی، جنبش اسلامی ازبکستان و دیگر گروه های شبه نظامی و گروه های مسلحی که به دنبال اهداف سیاسی، ایدئولوژیک یا اقتصادی می باشند، به شمول گروه های جنایی که به طور مستقیم در اعمال خصمانه به نمایندگی از یک طرف درگیر فعالیت می نمایند.

۲۹. مواد انفجاری باقی مانده از جنگ؛ به مواد باقی مانده ای منفجر نشده و مواد انفجاری متروک خطاب می گردد.

کشته شدگان و مجروحین افراد ملکی از جنوری تا دسامبر سال های ۲۰۰۹ - ۲۰۱۳



نیروهای مخالف دولت و محافظت از افراد ملکی

در سال ۲۰۱۳؛ نیروهای مخالف دولت، سبب ۷۴ درصد تلفات افراد ملکی گردیده است. آنها به شکل عمدی افراد ملکی را در سراسر افغانستان مورد هدف قرار داده و حملات شان را بدون احترام به حیات انسانی انجام داده است. بر اساس یافته های یوناما؛ نیروهای مخالف دولت در حدود ۲۳۱۱ فرد ملکی را به قتل رسانیده و به تعداد ۴۰۶۳ فرد ملکی را مجروح نموده است. مجموع تلفات منسوب به نیروهای مخالف دولت به ۶۳۷۴ فرد ملکی می رسد؛ که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۴ درصد افزایش را نشان میدهد.^{۳۰}

استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده (که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی را قابل نیست و نیز استفاده از آن غیر قانونی می باشد) توسط نیروهای مخالف دولت؛ سبب عمده و اصلی تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۳ می باشد. تاکتیک متذکره باعث ۳۴ درصد تمام تلفات افراد ملکی گردیده است. بر اساس یافته های یوناما در حدود ۹۶۲ فرد ملکی توسط مواد انفجاری تعبیه شده به قتل رسیده و به تعداد ۱۹۲۸ فرد ملکی توسط این تاکتیک^{۳۱} مجروح گردیده است. رقم کشته شدگان و مجروحین؛ در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۴ درصد افزایش را نشان می دهد. از سال ۲۰۰۹ تا آخر سال ۲۰۱۳ به تعداد

^{۳۰} در سال ۲۰۱۱؛ بر اساس یافته های یوناما در حدود ۲۲۰۸ فرد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت کشته شده و به تعداد ۳۴۲۸ فرد ملکی توسط این نیروها، مجروح گردیده بود. مجموع تلفات منسوب به نیروهای متذکره به ۵۶۳۶ نفر می رسید. به گزارش سال ۲۰۱۱ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه در آدرس ذیل مراجعه گردد:

http://unama.unmissions.org/Portals/UNAMA/Documents/UNAMA%20POC%202011%20Report_Final_Feb%202012.pdf

^{۳۱} ارقامی که ذکر گردید، تلفات ناشی از حملات انتحاری و حملات انتحاری پیچیده را شامل نمی گردد. هرچند در آنها نیز از مواد انفجاری تعبیه شده استفاده صورت می گیرد.

^{۳۲} در سال ۲۰۱۲؛ یافته های یوناما نشان میداد که در حدود ۸۶۸ فرد ملکی توسط این تاکتیک به قتل رسیده و به تعداد ۱۶۶۳ فرد ملکی توسط تاکتیک متذکره مجروح گردیده است. مجموع تلفات مواد انفجاری تعبیه شده در سال ۲۰۱۱ به ۲۵۳۱ نفر می رسید.

۳۷۱۶ حادثه ای مواد انفجاری تعبیه شده در حدود ۴۵۱۵ فرد ملکی را به قتل رسانده و به تعداد ۷۹۸۹ فرد ملکی را مجروح نموده است. مجموع تلفات تاکتیکی متذکره در بین سالهای ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ به ۱۲۵۰۴ نفر می رسد.

یوناما در مورد افزایش تلفات افراد ملکی بر اثر مواد انفجاری تعبیه شده ای که از راه دور کنترل می گردد، به شدت نگران است. بر اساس یافته های یوناما؛ در حدود ۳۵۶ حادثه ای مواد انفجاری که از راه دور کنترل می گردید^{۳۳}، در حدود ۲۵۷ فرد ملکی به قتل رسیده و ۸۹۲ فرد ملکی را مجروح نموده است. مجموع تلفات تاکتیکی متذکره به ۱۱۴۹ نفر می رسد؛ که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۸۴ درصد افزایش رخ داده است.^{۳۴}

تلفات افراد ملکی در اثر مواد انفجاری تعبیه شده ای بشقاب مانند که با آوردن فشار یا با قدم گذاشتن قربانی بر آن منفجر می گردد؛ در مقایسه سال ۲۰۱۲، در حدود ۳۹ درصد کاهش یافته است. تاکتیکی متذکره در حدود ۲۴۵ فرد ملکی را به قتل رسانده و ۳۱۲ فرد ملکی را مجروح نموده است. مجموع تلفات این تاکتیکی به ۵۵۷ تن می رسد.^{۳۵} هرچند این کاهش را باید به دیده نیک نگریست؛ اما تلفات ناشی از این تاکتیکی در سال ۲۰۱۳، هنوز یک رقم بالا را نشان میدهد. مواد انفجاری تعبیه شده ای که با آوردن فشار منفجر می گردد؛ در ساحات مزدحمی که توسط افراد ملکی استفاده می گردد، مانند سرک ها، فروشگاهها، دفاتر دولتی، بازارها، در اطراف مکتب ها و ایستادگاه های بس، منفجر گردیده است. یوناما مجدداً تأکید مینماید که مواد انفجاری تعبیه شده ای بشقاب مانند از جمله ماین های بشمار می رود که با قدم گذاشتن انسان بر آن منفجر می گردد. بنابر این؛ این مواد انفجاری اولاً بین افراد ملکی و نظامی تفکیک کرده نمی تواند و ثانیاً استفاده از این مواد غیر قانونی هست. به همین جهت؛ یوناما بار دیگر از نیروهای مخالف دولت تقاضا می نماید که استفاده از این تاکتیکی را متوقف سازد.

در اثر ۷۳ حادثه ای حملات انتحاری و انتحاری پیچیده در سال ۲۰۱۳، در حدود ۲۵۵ فرد ملکی به قتل رسیده و ۹۸۱ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این دو تاکتیکی به ۱۲۳۶ نفر می رسد. هرچند تعداد حملات؛ خیلی مشابه با سال ۲۰۱۲ می باشد اما تعداد تلفات افراد ملکی در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۸ درصد کاهش یافته است. با وصف این، حملات انتحاری و انتحاری پیچیده در حدود ۱۵ درصد تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل می دهد.^{۳۶}

یافته های یوناما نشان میدهد که در اثر ۶۰۵ حادثه ای قتل های هدفمند و سازمان یافته؛ در حدود ۷۴۳ فرد ملکی به قتل رسیده و به تعداد ۳۳۳ فرد ملکی مجروح گردیده است.^{۳۷} بطور مشابه با سال ۲۰۱۲؛ نیروهای مخالف دولت آنها را که

۳۳. مواد انفجاری که از راه دور کنترل می گردد و نیز مواد انفجاری بشقاب مانند ای که با آوردن فشار منفجر می گردد؛ به مجموع ارقام تلفات ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده شامل می گردد.

۳۴. یوناما؛ تنها آن حوادثی را به ثبت می رساند که باعث تلفات افراد ملکی می گردد.

۳۵. در سال ۲۰۱۲؛ یافته های یوناما نشان میداد که در اثر مواد انفجاری تعبیه شده ای بشقاب مانند که با آوردن فشار منفجر می گردد، در حدود ۳۹۳ فرد ملکی به قتل رسیده و ۵۲۰ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این تاکتیکی به ۹۱۳ نفر می رسد.

۳۶. یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲ نشان میداد که در اثر ۷۲ حادثه ای حملات انتحاری و انتحاری پیچیده در حدود ۳۲۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۱۸۲ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات ناشی از این دو تاکتیکی به ۱۵۱۰ نفر می رسد.

۳۷. به بخش حقوقی این گزارش جهت دانستن تعریف قتل های هدفمند و سازمان یافته مراجعه گردد. قتل های هدفمند ممکن منتج به کشتن و مجروح شدن افراد متعدد گردد. بطور مشخص زمانیکه از یک تاکتیکی استفاده می شود که تفکیک بین ملکی و نظامی صورت نمی گیرد (مثلاً استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده). یوناما تمام کشته شدگان و مجروحینی را که بطور مستقیم از اثر حادثه ای قتل های هدفمند ناشی می شود، ثبت می نماید. و نیز کشته شدگانی را ثبت می نماید که در وقت کشته شدن بطور فزینی در توقیف مرتکبین قرار دارد و در یک ساختار قضائی به قتل می رسند.

احساس می کردند با دولت همکاری می نمایند؛ بشمول مقامات دولتی، مردم محلی، رهبران دینی، مقامات قضائی، بزرگان قومی، کارمندان انتخابات، افسران پولیسی که در رخصتی می رفتند و اشخاصی که پروسه صلح را حمایت می کردند، به قتل می رساندند.

تهدیدها و حملات هدفمند نیروهای مخالف دولت بالای ملاها یعنی رهبران دینی به اتهام اینکه آنها از حکومت حمایت می کنند؛ افزایش یافته است. چنانچه؛ این نوع حملات مانند حمله بر ملاها و مساجد در سال ۲۰۱۳ سه چند گردیده است.^{۳۸}

یوناما؛ در سال ۲۰۱۳ به تعداد ۲۵ حادثه ای را به ثبت رسانیده است که در آن حادثات، نیروهای مخالف دولت بالای کارمندان انتخابات و تأسیسات مربوط به انتخابات حمله نموده است. در اثر حادثات متذکره، ۴ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۲ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این حادثات به ۱۶ نفر می رسد.^{۳۹}

در سال ۲۰۱۳؛ طالبان مسئولیت ۱۵۳ حمله ای را که در آن افراد ملکی آسیب دیده بود، به عهده گرفت^{۴۰} که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۹۲ در صد افزایش را نشان میدهد.^{۴۱} یافته های یوناما نشان می دهد که در اثر حادثات متذکره در حدود ۳۰۲ فرد ملکی به قتل رسیده و به تعداد ۶۴۲ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این حادثات به ۹۴۴ فرد ملکی می رسد که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حادثاتی که طالبان ادعای مسئولیت نموده بود؛ در حدود ۱۳۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش رخ داده است.^{۴۲} در بسیاری از این حادثات در سال ۲۰۱۳ از تاکتیک های استفاده شده که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی قائل نمی باشد. مثلاً منفجر نمودن مواد انفجاری تعبیه شده در اماکن عمومی یا هدف قرار دادن مستقیم افراد ملکی و اهداف ملکی بخصوص کارمندان ملکی یک اداره و ساختمان های ملکی در حملات موصوف هدف قرار گرفته است.

یوناما؛ خاطر نشان می سازد که حملاتی که در آن از تاکتیک های استفاده می شود که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی قائل نمی باشد و حملات هدفمندی که به شکل عمدی افراد ملکی را مورد هدف قرار می دهد، بر مبنای حقوق بشر دوستانه بین المللی به شدت منع شده است. اصول حقوق بشر دوستانه بین المللی تمام طرفهای درگیر در نزاع ای

۳۸. یوناما در سال ۲۰۱۲ در حدود ۸ حادثه را به ثبت رسانیده بود که در اثر آن هشت فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۳ فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع تلفات این نوع حادثات به ۲۱ نفر می رسید.

۳۹. بین اول جنوری سال ۲۰۱۳ تا ۲ جنوری سال ۲۰۱۴؛ کمیون مستقل انتخابات در حدود ۸۲ حادثه را علیه پروسه انتخابات به ثبت رسانیده است. این رقم شامل ۲۳ حادثه ای حمله، ۲۲ حادثه ای تهدید و ارباب کارمندان کمیون متذکره و ۱۲ حادثه ای انفجار مواد انفجاری تعبیه شده، مواد انفجاری که از راه دور کنترل می گردد و مواد انفجاری جاسازی شده در موتر که کاروان های پولیس ملی و کارمندان کمیون را مورد هدف قرار داده و آنها را کشته و مجروح نموده و نیز در بعضی از این حادثات دفاتر کمیون متذکره متضرر گردیده است.

۴۰. حوادثی که در آن افراد ملکی آسیب دیده بود؛ شامل کشته شدن و مجروح شدن افراد ملکی، تهدیدات و ارباب، از دست دادن وسیله معاش و محروم شدن از حقوق بشری شان می گردید. بطور مثال؛ مسدود شدن مکتب ها و کلینیک ها در نتیجه حملات مواد انفجاری تعبیه شده.

۴۱. در سال ۲۰۱۲؛ یوناما در حدود ۴۶ حادثه ای را که طالبان ادعای مسئولیت کرده بود، به ثبت رسانیده بود. به گزارش سال ۲۰۱۲ یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در نزاعات مسلحانه در آدرس ذیل مراجعه گردد:

<http://unama.unmissions.org/LinkClick.aspx?fileticket=K0B5RL2XYcU%3D>, p. 27.

۴۲. تعریف منتشر شده ای طالبان از فرد ملکی مطابق به معیارهای حقوق بشر دوستانه بین المللی نمی باشد. چون با تعریف آنها از فرد ملکی، مجوز حمله بر طیف وسیع از افراد و اهداف ملکی داده می شود؛ در حالیکه آن افراد و اماکن بر اساس حقوق بشر دوستانه بین المللی، ملکی معرفی گردیده است.

افغانستان بشمول طالبان را ملزم می سازد. حملات بر افراد ملکی و کشتن ملاحا، کارمندان انتخابات، بزرگان قوم و سایر افراد ملکی که به شکل مستقیم در جنگ ها سهم نمی گیرند، ممکن جرایم جنگی تلقی گردد.^{۴۳}

در جریان سال ۲۰۱۳؛ یوناما شاهد این بود که طالبان پیام های زیادی را در مورد تلفات افراد ملکی و رفتار طرف های درگیر در جنگ بشمول طالبان و نیروهای دولتی، به شکل همگانی منتشر می نمود. طالبان اعلامیه های ماهوار خود را در مورد حوادثی که تلفات افراد ملکی به دنبال داشت و آنها را به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت می داد، منتشر می نمود.^{۴۴} از ۲۷۷ حادثه ای که توسط طالبان منتشر شده بود در حدود ۹۱ حادثه ای شان توسط یوناما قبلاً ثبت شده بود، به تعداد ۸۳ حادثه ای آن مورد تعقیب قرار گرفت و در ۱۰۳ حادثه ای آن تلفات ملکی ناشی از خشونت های جنگ مسلحانه، تأیید نگردید.^{۴۵}

به تاریخ ۱۷ جون؛ طالبان اعلام نمود که کمیته ای را تحت نام " کمیته ویژه " در تحت نظارت کمیسیون نظامی طالبان برای جلوگیری از تلفات افراد ملکی ایجاد نموده است.^{۴۶} در اعلامیه متذکره آمده بود که کمیته ویژه برای جمع آوری معلومات، تحقیق و ارائه ای حادثات غفلت و وظیفوی اعضای طالبان^{۴۷} به محکمه شرعی؛ توظیف گردیده است.^{۴۸} اما؛ تا هنوز این کمیته هیچ گونه معلوماتی را از کارکردهایش بدست رس عموم قرار نداده است. یوناما خاطر نشان می سازد که برای اینکه همچون ساختارها قابل اعتماد محسوب گردد باید طالبان طوری فرد ملکی را تعریف نماید که مبتنی بر حقوق بشر دوستانه بین المللی باشد و با اصول و نورم های حقوق بشر دوستانه بین المللی همخوانی داشته باشد.

تلفات افراد ملکی در نتیجه ای جنگ های زمینی میان طرف های درگیر در جنگ

یافته های یوناما نشان می دهد که در حدود ۵۳۴ فرد ملکی در ۹۶۲ حادثه ای جنگ های زمینی میان نیروهای مخالف دولت و نیروهای دولتی و بین المللی (بخصوص در جنگ های زمینی میان نیروهای مخالف دولت و نیروهای امنیتی افغانستان)^{۴۹} به قتل رسیده و به تعداد ۱۷۹۳ فرد ملکی دیگر نیز مجروح گردیده است. مجموع تلفات ملکیان ناشی از تاکتیک متذکره به ۲۳۲۷ نفر می رسد که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۴۳ درصد افزایش را نشان میدهد.^{۵۰}

۴۳. حقوق بشر دوستانه بین المللی خشونت علیه حیات انسانی، صحت و آرامش جسمی و روحی را منع قرار داده است. بطور مشخص؛ اصول متذکره؛ قتل، تعذیب، قطع عضو و هر نوع مجازات جسمی را در هر زمان و مکان و برای همیشه منع نموده است. به فقره الف ماده ۴۲ تضمین های اساسی، به پروتکل الحاقی دوم ۱۹۹۷ کنوانسیون های ۱۹۴۹ ژنو مراجعه گردد. و نیز به ماده سوم مشترک در کنوانسیون های ژنو مراجعه گردد.

۴۴. اعلامیه های طالبان که در تاریخ ۱۴ جنوری سال ۲۰۱۴ به آدرس ذیل قابل دست رس بود: <http://www.shahamat-english.com/index.php/interviwe>

۴۵. برای جزئیات حوادث متذکره و چگونگی تعقیب و تحقیق آن به ضمیمه ای که در آخر این گزارش درجه گردیده؛ مراجعه گردد.

۴۶. اعلامیه طالبان تحت عنوان مصاحبه با آقای سرحدی؛ رئیس کمیته ویژه برای جلوگیری از تلفات افراد ملکی، تاریخ ۱۷ جون ۲۰۱۳. اعلامیه متذکره در تاریخ ۱۴ جنوری سال ۲۰۱۴ به آدرس ذیل قابل دست رس بود: <http://www.shahamat-english.com/index.php/interviwe/32843-interview-with-mr-sarhadi,-the-director-of-the-special-committee-for-the-prevention-of-civilian-losses>

۴۷. همان

۴۸. همان

۴۹. این رقم؛ گلوله باری های سرحدی را که از طرف پاکستان فیر می شد، نیز در بر می گیرد. البته رقم تلفات ناشی از گلوله باری های سرحدی بخش کوچکی از تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های زمینی را تشکیل می دهد.

۵۰. یافته های یوناما نشان میداد که در سال ۲۰۱۲ از اثر ۷۵۶ حادثه ای جنگ های زمینی در حدود ۴۴۴ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۱۸۷ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات ناشی از حادثات متذکره به ۱۶۳۱ فرد ملکی می رسد.

جنگ های زمینی دومین عامل شدید برای تلفات افراد ملکی تلقی می گردد. تاکتیک متذکره ۲۷ درصد تمام تلفات افراد ملکی را تشکیل داده و نیز بزرگترین قاتل زنان و کودکان شمرده می شود. جنگ های زمینی ۳۹ درصد تمام تلفات زنان و کودکان را در سال ۲۰۱۳ تشکیل می دهد.^{۵۱}

از جمع تمام حادثات جنگ های زمینی که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است؛ در حدود ۲۶۶ کشته و ۷۶۴ مجروح (مجموع تلفات ۱۰۳۰ فرد ملکی) یا به عبارت دیگر در حدود ۴۴ درصد تلفات افراد ملکی به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود.^{۵۲}

یافته های یوناما نشان میدهد که در حدود ۹۹ کشته و ۲۷۶ مجروح (مجموع تلفات ۳۷۵) یا به عبارت دیگر ۱۶ درصد تلفات ملکیان ناشی از جنگ های زمینی به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود.

در حدود ۳۸ درصد تلفات ناشی از جنگ های زمینی یعنی ۱۵۹ کشته و ۷۱۸ زخمی (مجموع تلفات ۸۷۷) به هیچ یکی از طرف های مشخص درگیر نسبت داده شده نمی تواند و این رقم در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۷۶ درصد افزایش را نشان میدهد.^{۵۳} بحران تغییر در شیوه جنگ نشان دهنده تغییر ماهیت جنگ در سال ۲۰۱۳ در افغانستان می باشد، که این تغییرات باعث شده تا جنگ ها در بین مردم محل و اماکن مزدحم کشانده شود و افراد ملکی در فیر های متقابل جنگجویان گیر بمانند.

متباقی دو درصد تلفات افراد ملکی در جنگ های زمینی به گلوله باری های که از خاک پاکستان در ولایت ننگرهار و کنر صورت می گرفت، نسبت داده می شود.^{۵۴} گلوله باری های متذکره در حدود ۹ فرد ملکی را به قتل رسانیده و ۲۸ فرد ملکی را مجروح نموده بود؛ که مجموع تلفات به ۳۷ فرد ملکی می رسد. سه حادثه ای جنگ های زمینی که در اثر آن یک فرد ملکی به قتل رسیده و هفت فرد ملکی مجروح گردیده است؛ به هیچ یکی از طرفهای مشخص نسبت داده شده نمی تواند.

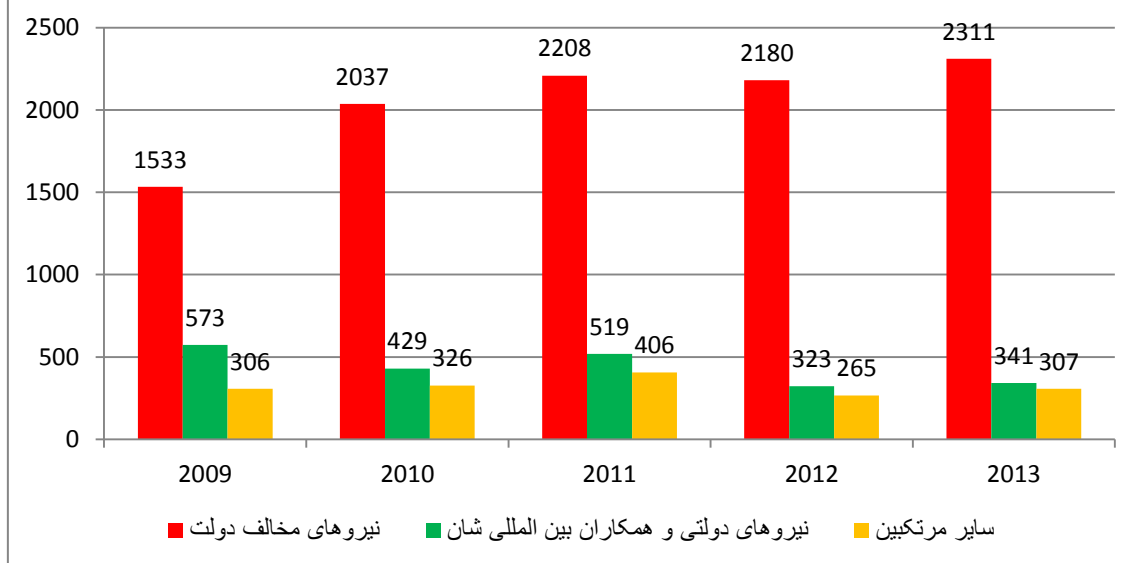
۵۱. هرچند جنگ های زمینی بیشترین رقم زنان و کودکان را در سال ۲۰۱۳ مجروح نمودند، اما؛ مواد انفجاری تعبیه شده بزرگترین قاتل زنان و کودکان در سال ۲۰۱۳ تلقی می گردد.

۵۲. یوناما؛ هر حادثه ای جنگ زمینی را که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده، توسط منابع متعدد مورد تأیید قرار داده است. منابع؛ شامل شاهدان عینی، قربانیان حادثه، منابع محلی، مقامات ولسوالی و سایر منابع مرتبط می باشد. یوناما از این طریق تلاش نموده است تا مسئول اصلی قتل و جرح افراد ملکی را پیدا نموده و یا اینکه بطور مثال تلاش نموده که کدام یکی از طرفها مرمی هاوان و راکت را فیر نموده است.

۵۳. در سال ۲۰۱۲؛ یافته های یوناما نشان میداد که ۱۵۸ فرد ملکی در اثر جنگ های زمینی که عاملین قتل مشخص شده نمی توانست، به قتل رسیده و ۳۷۸ فرد ملکی دیگر مجروح گردیده بود. مجموع تلفات به ۸۸۰ فرد ملکی می رسید.

۵۴. به بخش گلوله باری ها از خاک پاکستان در این گزارش مراجعه گردد.

کشته شدگان افراد ملکی توسط طرفهای درگیر در جنگ از جنوری ۲۰۰۹ - دسامبر ۲۰۱۳



نیروهای دولتی/همکاران بین المللی شان و محافظت افراد ملکی

نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان^{۵۵} در حدود ۱۱ درصد تمام تلفات افراد ملکی را بخود نسبت می دهد. یافته های یوناما نشان میدهد که این نیروهای در حدود ۳۴۱ فرد ملکی را به قتل رسانده و ۶۱۵ فرد ملکی را مجروح نموده است. مجموع تلفات منسوب به نیروهای متذکره به ۹۵۶ فرد ملکی رسیده و در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۵۹ درصد افزایش را نشان میدهد. در مورد آمار تلفاتی که نیروهای دولتی و بین المللی مسئول آن می باشد؛ یافته های یوناما نشان میدهد که ۵۷ درصد تلفات به نیروهای امنیتی افغانستان، ۲۷ درصد به نیروهای بین المللی و ۱۶ درصد به عملیات های مشترک آنها نسبت داده می شود.

بر اساس یافته های یوناما؛ افزایشی که در تلفات افراد ملکی در نتیجه ای عملیات های زمینی رخ داده است، ناشی از عملیات های زمینی نیروهای امنیتی افغان می باشد. در عملیات های متذکره در حدود ۹۹ فرد ملکی به قتل رسیده و ۲۷۶ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفاتی که به نیروهای امنیتی افغان در جنگ های زمینی نسبت داده می شود به ۳۷۵ فرد ملکی می رسد که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۲۹ درصد افزایش را نشان می دهد.^{۵۶}

۵۵. نیروهای طرفدار دولت (نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان): این نیروها تمام نیروهای دولتی و سایر نیروهای را در بر می گیرد که در عملیات ضد تروریسم در قالب نیروهای نظامی و شبه نظامی فعالیت میکنند و بطور مستقیم یا غیر مستقیم تحت کنترل دولت افغانستان می باشند. این نیروها شامل دسته های ذیل می گردد، ولی محدود به اینها نیستند: اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی، نیروهای ریاست امنیت ملی، پولیس محلی و سایر نیروهای محافظتی محلی و نیز این اصطلاح؛ نیروهای بین المللی، نیروهای ویژه، نیروهای عملیات های ویژه و سایر نیروهای استخباراتی و امنیتی خارجی را در بر می گیرد. بر اساس گفته های آیساف و منابع نظامی افغان تمام عملیات های نظامی در سال ۲۰۱۳ توسط نیروهای امنیتی افغان رهبری شده و صورت گرفته است. در محدود عملیات ها نیروهای خارجی نیز شامل بوده است.

۵۶. یافته های یوناما نشان میداد که در سال ۲۰۱۲ در حدود ۷۴ فرد ملکی در اثر این حوادث کشته شده و ۹۰ تن دیگر مجروح گردیده اند. مجموع تلفات به ۱۶۴ فرد ملکی می رسید.

یافته های یوناما نشان میدهد که در ۵۴ عملیات های هوایی نیروهای بین المللی در حدود ۱۱۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۶۴ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این تاکتیک به ۱۸۲ تن رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۰ درصد کاهش را در تلفات افراد ملکی نشان می دهد.^{۵۷} حملات هوایی ۱۹ درصد تمام تلفات منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان را نشان داده و ۲ درصد مجموع تلفات افراد ملکی را در سال ۲۰۱۳ تشکیل میدهد. تلفات زنان و اطفال توسط این تاکتیک؛ ۴۵ درصد تمام تلفاتی را تشکیل میدهد که به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان نسبت داده می شود.

در اثر ۱۹ حادثه ای حملات طیارهای بی سرنشین^{۵۸} در سال ۲۰۱۳ در حدود ۴۵ فرد ملکی به قتل رسیده و ۱۴ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات این نوع طیاره به ۵۹ تن^{۵۹} می رسد که در مقایسه سال ۲۰۱۲ بیشتر از سه چند افزایش را نشان میدهد.^{۶۰} یوناما خاطر نشان می سازد که تلفات دوام دار افراد ملکی بخصوص توسط حملات تهاجمی هوایی؛ این ضرورت را ایجاد می نماید تا معیارهای که قبل از آغاز عملیات مد نظر گرفته میشود؛ بازنگری گردد و نیز اقدامات احتیاطی توسط نیروهای بین المللی در این زمینه روی دست گرفته شود.^{۶۱}

بر اساس یافته های یوناما در اثر ۴۱ حادثه ای عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده ای مظنون که اصولاً منسوب به نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان می باشد، در حدود ۳۱ فرد ملکی به قتل رسیده و ۴۴ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات به ۷۵ تن رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۴۷ درصد افزایش را نشان میدهد.^{۶۲} افزایش تلفات ناشی از این حادثات عکس آن کاهشی را نشان میدهد که در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ثبت رسیده بود.

عملیات های جستجو که توسط نیروهای امنیتی افغان، نیروهای بین المللی و یا در عملیات های مشترک صورت گرفته باعث قتل ۳۷ فرد ملکی و جرح ۸۳ فرد ملکی (مجموع تلفات ۱۲۰ تن) گردیده است.

نیروهای امنیتی افغان و محافظت افراد ملکی

یافته های یوناما در سال ۲۰۱۳ نشان میدهد که در جنگ ها و عملیات های نظامی که توسط اردوی ملی، پولیس ملی، پولیس سرحدی و امنیت ملی رهبری گردیده است؛ در حدود ۸۸ فرد ملکی به قتل رسیده و به تعداد ۲۶۱ فرد ملکی

۵۷. بر اساس یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲ در حدود ۱۲۵ فرد ملکی در اثر حملات هوایی نیروهای بین المللی به قتل رسیده و ۷۷ فرد ملکی دیگر مجروح گردیده بود. مجموع تلفات ملکیان به ۲۰۲ تن می رسید.

۵۸. طیارهای بی سرنشین بنام طیارهای که از راه دور کنترل می گردد، نیز یاد می گردد. هر اصطلاحی را که برای این نوع طیاره بکار ببریم (RPA, UAV and Drone) بازهم با اصطلاح طیاره بدون سرنشین مترادف می باشد.

۵۹. مجموع تلفات ناشی از عملیات های طیارهای بی سرنشین ممکن زیاد باشد؛ زیرا، یوناما همیشه نمی تواند این را تشخیص دهد که کدام نوعی از طیاره (طیاره هلیکوپتر یا طیارهای که از راه دور کنترل می گردد) در عملیات هوایی استفاده شده و منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است.

۶۰. بر اساس یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲؛ در حدود ۱۶ فرد ملکی در عملیات های طیارهای بدون سرنشین به قتل رسیده و ۳ فرد ملکی نیز مجروح گردیده بود. مجموع تلفات این تاکتیک به ۱۹ تن می رسید.

۶۱. مرکز نیروهای مختلط اردوی امریکا، جلوگیری از تلفات افراد ملکی: ملاحظات. درس ها و فراست ها، مرکز برای درس های که اردو از تجربیات گذشته ای شان می گیرند، معلومات غیر محرم امریکا. نیروهای نظامی امریکا، سال ۲۰۱۲.

۶۲. بر اساس یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲؛ در اثر ۳۵ حادثه ای از این قبیل، در حدود ۱۴ فرد ملکی به قتل رسیده و ۳۷ فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع تلفات ناشی از این حوادث به ۵۱ تن می رسید.

مجروح گردیده است. مجموع تلفات ناشی از عملیات های نیروهای متذکره به ۳۴۹ تن رسیده و در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۶۴ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^{۶۳}

بعد از مرحله ای نهائی انتقال مسئولیت های امنیتی از نیروهای بین المللی به نیروهای امنیتی افغان در ماه جولای ۲۰۱۳؛ حالا نیروهای امنیتی افغان در سراسر کشور عملیات های نظامی را هدایت می نماید.^{۶۴} یوناما مجدداً تقاضا می نماید که ساختار های دائمی در وزارت خانه های دفاع و داخله جهت تحقیق سیستماتیک بر ادعاهای مبنی بر تلفات افراد ملکی، اقدامات جبران کننده و تعقیب قضایا، باید ایجاد گردد.

گروه تحت نام " گروه تعقیب قضایای تلفات افراد ملکی " در مرکز هماهنگی اطلاعات حکومت در ماه می سال ۲۰۱۲ ایجاد گردید که فقط گزارش های تلفات افراد ملکی را از نهاد های امنیتی گرفته و آن را ثبت می نماید. اما، گروه متذکره شکایاتی را از افراد یا نهادها اخذ نمی دارد. ساختارهای موجوده ای نیروهای امنیتی افغان در سطح ولایات و زون ها؛ مانند مراکز هماهنگی عملیات ها^{۶۵} میتواند تا حدی تقویت گردد که هرگونه ادعای را در مورد تلفات افراد ملکی اخذ نموده و آن را به شکل مناسب تعقیب و تحقیق نماید.^{۶۶}

باتوجه به افزایش تهدیدات ناشی از مواد انفجاری تعبیه شده در برابر افراد ملکی و نیروهای امنیتی؛ اقدامات دوام داری که توسط حکومت افغانستان علیه تهدید جدی مواد انفجاری تعبیه شده روی دست گرفته می شود، یوناما از آن استقبال می نماید. آیساف از طریق فراهم نمودن آموزش های گسترده، تمویل، راهنمایی و تجهیز؛ نقش مهمی را در تقویت ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان جهت مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده، میتواند داشته باشد. یوناما خاطر نشان می سازد که حکومت افغانستان ضرورت دارد که به شکل دوام دار توسط جامعه جهانی کمک شود تا از آموزش، تمویل نیروهای امنیتی افغانستان اطمینان حاصل گردد. و نیز از این طریق، نیروهای امنیتی افغانستان بطور کامل این توانای را پیدا نماید که در جریان سال ۲۰۱۴ و بعد از آن عملیات ها در برابر مواد انفجاری تعبیه شده را هدایت نموده و مستقلانه انجام دهد.

بطور مشخص نگرانی سال ۲۰۱۳ همانا گزارش های بود که بر اساس آن در جریان عملیات های زمینی و جستجو در بعضی مناطق، نقض و تخطی حقوق بشر توسط نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته بود. گزارش های لت و کوب نمودن افراد ملکی، تخریب ملکیت ها و چور و چپاول نمودن مایملک افراد ملکی توسط نیروهای امنیتی افغانستان در ولایات فاریاب و کندز توسط یوناما به ثبت رسیده است. بطور مثال؛ در ماه سپتمبر سال ۲۰۱۳، پولیس ملی و اردوی ملی با حمایت گروپهای مسلح حامی دولت عملیات جستجو را در ولسوالی دشت ارچی ولایت کندز براه انداختند. در این عملیات گروپهای مسلح حامی دولت در حضور نیروهای امنیتی افغانستان تلاشی خانه به خانه را انجام داده و موبایل های شخصی افراد ملکی، پول نقد، طلا، جواهرات، اقلام درسی مربوط به مکتب، محصولات و حیوانات اهلی را چور و چپاول

۶۳. در سال ۲۰۱۲ نیروهای امنیتی افغان در حدود ۳۳ فرد ملکی را به قتل رسانده و ۶۳ فرد ملکی را مجروح نموده بود.

۶۴. ناتو، منشی عمومی ناتو اعلام انتقال مسئولیت های امنیتی به نیروهای افغان را در ۱۸ جون سال ۲۰۱۳ به آغوش گرم استقبال نمود. صحبت های متذکره در آدرس ذیل قابل دست رس می باشد: http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_101482.htm

۶۵. مرکز هماهنگی عملیات های در سطح ولایت و مرکز هماهنگی عملیات ها در سطح زون و ولایت و نیز ساختارهای هماهنگی ساحوی که عملیات ها را هماهنگ نموده و معلومات بدست آمده را بین نیروهای امنیتی افغانستان شریک می سازد.

۶۶. با توجه به این دلایل، یوناما بر این نظر می باشد که تعداد تلفات افراد ملکی که به نیروهای امنیتی افغان نسبت داده شده است، ممکن به شکل کامل گزارش داده نشده باشد.

کردند. چندین عراده موتورسایکل نیز به سرقت برده شد. گروپ های مسلح در حدود ۱۰ تا ۱۵ فرد را (بطور مشخص بزرگان و عالمانی را که احساس می کردند با نیروهای مخالف دولت کمک می کنند) لت و کوب نمودند.

یوناما از حکومت افغانستان تقاضا می نماید که تمام ادعاهای مربوط به تخطی و نقض حقوق بشری را که توسط نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته، بر اساس ضرورت های حقوق داخلی و بین المللی مورد تحقیق و بررسی قرار دهد.

پولیس محلی افغان و محافظت افراد ملکی

مردم محلی از تعداد زیادی از ولسوالی ها گزارش داده اند که وضعیت امنیت در ساحاتی که پولیس محلی حضور دارند، بهبود یافته است. باوجود گزارش های مثبت؛ یوناما به شکل دوام دار، تلفات افراد ملکی را در نتیجه ای عملیات های پولیس محلی به ثبت رسانیده است. هم چنان؛ نقض حقوق بشر و سایر کارهای غیر قانونی توسط پولیس محلی گزارش داده شده است. در جریان سال ۲۰۱۳؛ یوناما حوادثی را به ثبت رسانیده است که پولیس محلی تخطی های شدید حقوق بشری را با معافیت کامل با حمایت زورمندان ولایتی و دولتی مرتکب شده است. همچون حوادث در ولسوالی های مشخص در ولایات فاریاب، کندز، ننگرهار و ارزگان به ثبت رسیده است.

یافته های یوناما نشان میدهد که در ۶۵ حادثه ای جداگانه ای منسوب به پولیس محلی^{۶۷} در حدود ۳۲ فرد ملکی به قتل رسیده و ۸۹ فرد ملکی مجروح گردیده است. مجموع تلفات ناشی از این حوادث به ۱۲۱ تن می رسد که این آمار در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود سه چند افزایش را نشان میدهد.^{۶۸} در تعداد زیادی از این حوادث پولیس محلی در بعضی از مناطق مشخص، افراد ملکی را به شکل غیر قانونی و عمدی، در قالب مجازات، انتقام گیری و اقدام تلافی جویانه، به قتل رسانیده است. حوادثی نظیری تهدید، ارباب، تلاشی غیر قانونی و تصرف غیر قانونی مکتب ها نیز به اینها منسوب گردیده است.

بر اساس گفته های رئیس پولیس محلی در وزارت داخله که پروسه پولیس محلی را سرپرستی می کند، در حدود ۱۰۰ قضیه ای منسوب به پولیس محلی در جریان سال ۲۰۱۳، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته و ۵۹ قضیه ای آن در سطح ولایات به خارنوالان نظامی محول شده است.^{۶۹} باوصف این اقدامات خوبی که صورت گرفته، رئیس موصوف معلوماتی را در مورد پروسه تعقیب عدلی، محکومیت متهم، تعلیق وظایف آنها یا سایر تصامیم قضائی اخذ شده، ارائه نتوانسته است.

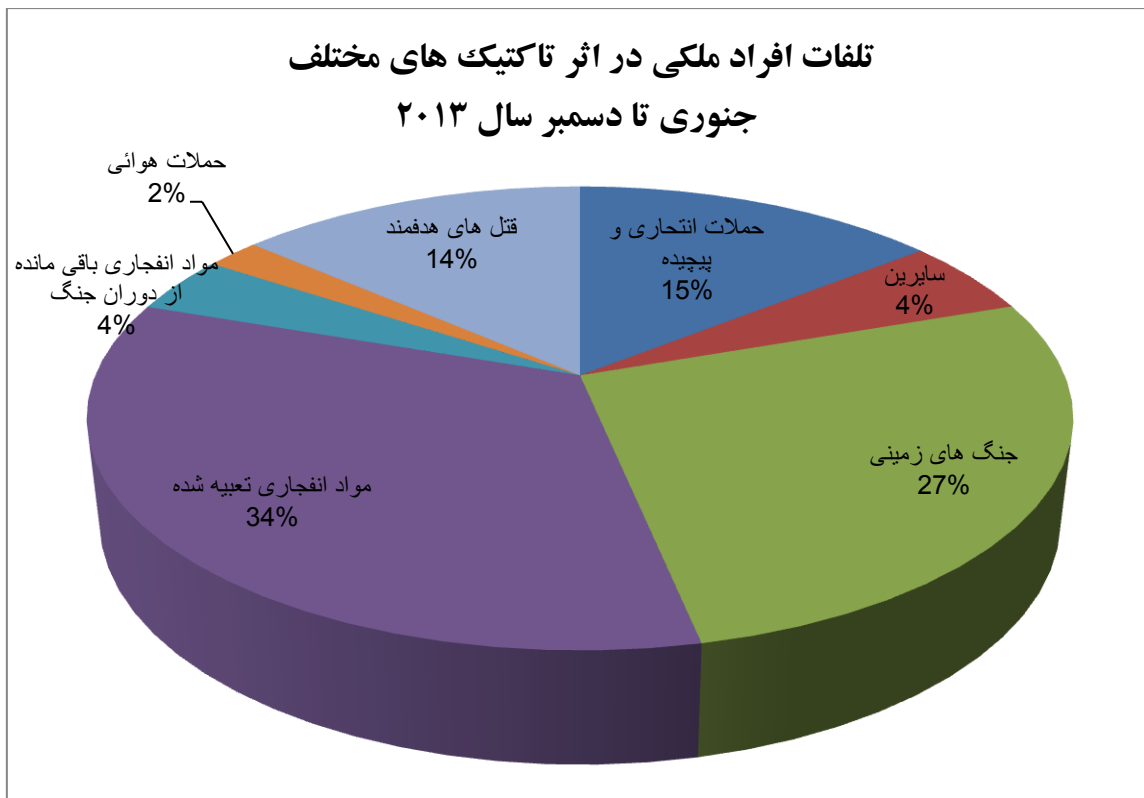
یوناما می خواهد که اقدامات بیشتر از این؛ جهت پاسخ دهی پولیس محلی در قبال تخطی های که انجام میدهد، باید صورت بگیرد. هریکی از اعضای پولیس محلی که بخاطر تخطی های شدید حقوق بشری مظنون می گردد؛ باید بطور عاجل وظیفه ای شان به تعلیق در آمده و خلع سلاح گردد. بعد از آن بطور عاجل بدون در نظر گرفتن ارتباطات سیاسی متهمین، قضیه ای شان مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار بگیرد. تلاش ها جهت رشد ظرفیت ریاست پولیس محلی نیز باید صورت گیرد تا بر قضایا نظارت نموده و پاسخ دهی در قبال هر قضیه را مورد تعقیب قرار دهد.

۶۷. برای مطالعه پیشینه ای برنامه پولیس محلی و نگرانی های مرتبط به حقوق بشری این برنامه؛ به گزارش های شش ماهه و سالیانه ای یوناما در مورد محافظت افراد ملکی در منازعات مسلحانه که سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ را در بر می گیرد، در ادرس ذیل مراجعه گردد:

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?tabid=13941&language=en-US>

۶۸. بر اساس یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲ پولیس محلی در ۴۳ حادثه ای جداگانه در حدود ۱۷ فرد ملکی را به قتل رسانده و ۱۷ فرد ملکی را مجروح نموده بود. مجموع تلفات این حوادث به ۳۴ تن می رسد.

۶۹. یوناما با رئیس بخش پولیس محلی در ماه جنوری سال ۲۰۱۴ در وزارت داخله ملاقات نمود.



نوت: سایرین؛ عکس العمل تدریجی نیروها در مقابل یک پدیده ای مظنون، توقیف، اختطاف و مجازات های فراقضائی را شامل می گردد.

گروپ های مسلح و محافظت افراد ملکی

بر اساس یافته های یوناما؛ ۳۹ حادثه ای تخطی های حقوق بشری با معافیت از مجازات توسط گروپ های مسلحی که از دولت حمایت می کنند، صورت گرفته است. در حوادث متذکره در حدود ۱۸ فرد ملکی به قتل رسیده و ۳۷ فرد ملکی مجروح (مجموع تلفات ملکی ۵۵) گریده است. اکثر این حوادث در مناطقی اتفاق افتاده است که گروپ های مسلح دارای قدرت و نفوذ قابل ملاحظه می باشد. به استثنائی یک حادثه که در ارزگان رخ داده است؛ تمام حوادث نقض حقوق بشر توسط این نیروها در ولایات کندز، فاریاب، بغلان و جوزجان صورت گرفته است. بر اساس یافته های یوناما؛ تخطی های شدید حقوق بشری بشمول قتل افراد ملکی توسط گروپ های مسلح در قریه کَنَم کلان ولایت کندز در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ رخ داده است. فرماندهانی که مسئول این تخطی ها بودند؛ هنوز هم دستگیر نگردیده اند. یوناما بار دیگر از حکومت می خواهد تا تلاش نماید که این گروپ ها را منحل نموده و خلع سلاح نماید.

افراد ملکی که با خطر مواجه هستند: خشونت های ناشی از جنگ؛ افراد ملکی را به خطر مواجه ساخته اند

کودکان و منازعات مسلحانه

تعداد زیادی از دختران و پسران افغانستان در جریان سال ۲۰۱۳ کشته و مجروح گردیده اند. خشونت های ناشی از جنگ باعث گردیده که در حدود ۵۶۱ کودک از بین رفته و ۱۱۹۵ کودک مجروح گردد. مجموع تلفات این قشر از جامعه به

۱۷۵۶ تن می رسد و در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۳۴ درصد در تلفات اینها افزایش رخ داده است. تمام تاکتیک های جنگی باعث تلفات کودکان گردیده ولی اکثریت کودکان بواسطه مواد انفجاری تعبیه شده و جنگ های زمینی آسیب دیده است.

مواد انفجاری تعبیه شده بزرگترین قاتل کودکان بشمار می رود. بر اساس یافته های یوناما در حدود ۱۹۲ طفل توسط این تاکتیک به قتل رسیده و به تعداد ۳۱۹ کودک دیگر مجروح گردیده است (مجموعاً ۵۱۱ کودک تلف شده است). در مقایسه با سال ۲۰۱۲ رقم متذکره در حدود ۲۸ درصد افزایش را نشان میدهد. بعد از مواد انفجاری تعبیه شده؛ جنگ های زمینی بیشترین آسیب را به کودکان رسانده است. بر اساس یافته یوناما در جنگ های زمینی در حدود ۱۳۷ کودک کشته شده و ۵۰۴ کودک دیگر نیز مجروح گردیده است (مجموع تلفات اطفال ۶۴۱ تن). رقم متذکره در مقایسه با سال ۲۰۱۲ در حدود ۵۹ درصد افزایش را نشان میدهد.

از مجموع ۱۷۵۶ کودک کشته و مجروح؛ نیروهای مخالف دولت در حدود ۳۲۸ کودک را به قتل رسانده و به تعداد ۶۳۶ کودک را مجروح نموده است. مجموع تلفات کودکان افغان که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود به ۹۶۴ تن می رسد. نیروهای دولتی و همکاران بین المللی شان در حدود ۹۳ کودک را به قتل رسانده و ۱۷۳ کودک را مجروح نموده است. مجموع تلفات کودکان افغان که به نیروهای متذکره نسبت داده می شود به ۲۶۶ تن می رسد (۱۵ فیصد از مجموع تلفات اطفال).

فیر متقابل در جنگ های زمینی بین نیروهای مخالف دولت و نیروهای دولتی/همکاران بین المللی شان در حدود ۵۰ کودک را به قتل رسانده و به تعداد ۱۹۵ کودک دیگر را مجروح نموده است. مجموع تلفات تاکتیک متذکره به ۲۴۵ تن می رسد. علاوه؛ گلوله باری از طرف خاک پاکستان در حدود ۲ کودک را به قتل رسانده و ۱۱ کودک دیگر را مجروح نموده است. مجموع تلفات ناشی از این تاکتیک به ۱۳ تن می رسد. متباقی ۲۶۸ کودک کشته و زخمی (۸۸ کشته و ۱۸۰ مجروح) به هیچ یکی از طرفهای درگیر بطور مشخص نسبت داده شده نمی تواند و معمولاً به مواد انفجاری باقی مانده از جنگ نسبت داده می شود.

کودکان از جمله گروپهای بشمار می رود که بیشترین آسیب را از ناحیه مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ متحمل گردیده و از مجموع ۳۴۳ تلفات ناشی از مواد متذکره در حدود ۲۸۴ شان را کودک تشکیل می دهد. رقم متذکره در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۷۴ درصد افزایش را نشان میدهد. اکثر قربانیان حوادث متذکره پسران جوانی که ۸۳ درصد تلفات ناشی از مواد باقی مانده از دوران جنگ را تشکیل میدهد، می باشد.

زنان و منازعات مسلحانه

خشونت های ناشی از جنگ در سال ۲۰۱۳ آسیب های فزاینده ای را بر زنان تحمیل نموده است. یافته های یوناما نشان می دهد که در سال ۲۰۱۳ در حدود ۲۳۵ زن به قتل رسیده و به تعداد ۵۱۱ زن مجروح گردیده است. مجموع تلفات زنان به ۷۴۶ نفر رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۳۶ درصد افزایش را نشان میدهد.^{۷۰} مواد انفجاری که نیروهای مخالف دولت از آن استفاده می نماید؛ باعث از بین رفتن بیشترین رقم زنان در سال ۲۰۱۳ گردیده است. از اثر این مواد در حدود

۷۰. یافته های یوناما در سال ۲۰۱۲ نشان میداد که در اثر تمام تاکتیک های جنگی در حدود ۱۹۶ زن به قتل رسیده و ۳۵۲ زن مجروح گردیده است. مجموع تلفات زنان در سال ۲۰۱۲ به ۵۴۸ نفر می رسید.

۸۶ زن به قتل رسیده و ۹۱ زن مجروح گردیده است. مجموع تلفات زنان به ۱۷۷ نفر رسیده که در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۰ درصد افزایش را نشان می‌دهد.^{۷۱}

هرچند مواد انفجاری تعبیه شده بیشتر از هر تاکتیک دیگر عامل قتل زنان تلقی می‌گردد، اما؛ جنگ‌های زمینی بیشترین رقم زنان را مجروح نموده و اکثریت رقم تلفات زنان (۷۳ کشته، ۲۶۱ مجروح و ۳۳۴ مجموع تلفات) را بخود نسبت می‌دهد.^{۷۲} رقم متذکره ۴۵ درصد تمام تلفات زنان را در سال ۲۰۱۳ تشکیل می‌دهد. اکثریت این تلفات ناشی از گیر ماندن زنان در فیرهای متقال و فیرهای سرگردانی که به خانه‌های شان اصابت می‌نمود، می‌باشد.

مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ

تهدید شدیدی مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ^{۷۳} علیه حیات و معیشت افراد ملکی در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. یافته‌های یوناما نشان می‌دهد که در حدود ۱۱۴ فرد ملکی در اثر این تاکتیک به قتل رسیده و ۲۲۹ فرد ملکی دیگر مجروح گردیده است. مجموع تلفات ناشی از این تاکتیک به ۳۴۳ تن رسیده و در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۶۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در حدود ۸۳ درصد تلفات این تاکتیک را کودکان تشکیل می‌دهد.

روند سریع افزایش تلفات افراد ملکی در اثر این تاکتیک نشان دهنده‌ای افزایش جنگ‌های زمینی بین طرف‌های درگیر در جنگ می‌باشد.^{۷۴} دلیل دومی ممکن بسته شدن سریع مراکز نظامی آیساف و ساحه تحت پوشش مرمی‌های که آنها فیر می‌نمودند می‌باشد. چون تعداد زیادی از مراکز نظامی و ساحه تحت پوشش فیرهای آنها به شکل درست قبل از بسته شدن، از مواد منفجر ناشده پاکسازی نشده بود.^{۷۵}

یوناما از آیساف و کشورهای مساعدت‌کننده‌ای نیروی نظامی تقاضا می‌نماید که تمام آن ساحاتی را که آیساف از آن استفاده نموده و امکان موجودیت مواد انفجاری در آن می‌رود؛ علامت‌گذاری نماید. از این طریق خطرات بالقوه تشخیص گردیده و ساحاتی که مواد باقی مانده از جنگ در آن تشخیص گردد؛ باید به زودی پاکسازی گردد.

۷۱. یافته‌های یوناما در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که مواد انفجاری تعبیه شده در حدود ۸۱ زن را به قتل رسانیده و ۶۷ زن را مجروح نموده بود. مجموع تلفات زنان به ۱۴۸ نفر می‌رسید.

۷۲. یافته‌های یوناما در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که در اثر جنگ‌های زمینی در حدود ۵۳ زن به قتل رسیده و ۱۷۶ زن مجروح گردیده است. مجموع تلفات اینها به ۲۲۹ نفر می‌رسید.

۷۳. مواد انفجاری باقی مانده از دوران جنگ شامل مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک می‌باشد.

۷۴. افزایش تلفات ناشی از جنگ‌های زمینی دلالت بر افزایش جنگ در ساحات پرنفوس دارد که این ممکن به افزایش مواد منفجر ناشده و مواد انفجاری متروک منجر گردد. زیرا؛ فیرهای غیر مستقیم یا استفاده از سلاح‌های هوایی بطور مثال مهماتی که از هوا پرتاب می‌گردد، موشک‌ها، راکت‌ها، خمپاره‌ها و نارنجک‌ها باعث بوجود آمدن مواد منفجر ناشده می‌گردد.

۷۵. ارزیابی اصلیت مواد منفجر ناشده بخصوص بعد از انفجارش خیلی کار مشکل می‌باشد. در نتیجه تحلیل یوناما از هر مواد منفجر ناشده که بعد از انفجار تلفات افراد ملکی را در پی داشته، بازنگری همان محیطی هست که حادثه در آن اتفاق افتاده است. بطور مثال مواد منفجر ناشده که در اثر انفجار آن افراد ملکی آسیب دیده است و این مواد در مراکز سابقه آیساف منفجر گردیده است یوناما این حادثه را تا زمانی که اصلیت مواد تشخیص و تأیید نگردد به هیچ طرفی نسبت نمی‌دهد.

گلوله های که از آن طرف سرحد؛ فیر می گردید

در سال ۲۰۱۳؛ یافته های یوناما نشان میدهد که در اثر ۱۳۰ حادثه ای فیر گلوله ها از آن سوی سرحد،^{۷۶} در حدود ۹ فرد ملکی به قتل رسیده و به تعداد ۲۸ نفر دیگر مجروح گردیده است.^{۷۷} مجموع تلفات ناشی از حوادث متذکره به ۳۷ نفر می رسد و حوادث متذکره در ولایت کنر و ننگرهار اتفاق افتاده بود. رقم که در سال ۲۰۱۳ به ثبت رسیده در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۵۱ درصد کاهش را نشان میدهد.^{۷۸} گلوله باری های متذکره تخریب خانه ها، مساجد و از بین رفتن حیوانات اهلی را به دنبال داشته و مردمان مناطقی که از این ناحیه متأثر شده بود را به شدت خشمگین نموده بود.

بیجاشدن ناشی از جنگ

خشونت ناشی از جنگ و نا امنی باعث گردیده که مردم در یک سطح خیلی بالا در داخل افغانستان از مکان اصلی شان بیجا گردد. بر اساس یافته های گروه کاری که در مورد بیجاشدگان داخلی کار می کند؛ در حدود ۱۲۴۳۵۴ فرد ملکی در اثر جنگ های مسلحانه در سال ۲۰۱۳ در افغانستان بیجا گردیده است.^{۷۹} رقم متذکره در مقایسه سال ۲۰۱۲ در حدود ۲۵ درصد افزایش را نشان میدهد. تا تاریخ ۳۰ نومبر ۲۰۱۳ تعداد بیجا شدگان داخلی در افغانستان به ۶۳۱۲۸۶ نفر می رسد، که بیشتر از نصف آن در جریان سه سال آخر بیجا شده بود.^{۸۰}

حق دست رسی به صحت و منازعات مسلحانه

حملات و تهدیدات علیه تأسیسات صحتی و کارمندان صحتی در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است. یافته های یوناما نشان میدهد که در حدود ۳۲ حادثه ای حملات علیه تأسیسات صحتی و تهدیدات علیه کارمندان صحتی^{۸۱} به ثبت رسیده که در سال ۲۰۱۲ فقط ۲۰ حادثه ای از این نوع به ثبت رسیده بود. بر اساس یافته های یوناما در حدود ۵ کارمند صحتی به قتل رسیده و

۷۶. یوناما در حدود ۱۳۰ حادثه را که گلوله ها از آن سوی سرحد به خاک افغانستان فیر می گردید، ثبت نموده است. از این مجموع در حدود ۲۴ حادثه ای آن منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است.

۷۷. یوناما ارقام ناشی از گلوله باری های آن سوی سرحد را در جمع ارقام جنگ های زمینی ثبت نموده، اما؛ حوادث ناشی از فیرهای که از خاک پاکستان نشأت می گرفت را جدا نموده است. این ارقام در تحت دسته بندی "سایرین" به ثبت رسیده است.

۷۸. یافته های یوناما نشان میداد که در سال ۲۰۱۲ در اثر ۲۰۶ حادثه گلوله باری در حدود ۱۲ فرد ملکی به قتل رسیده و ۶۳ فرد ملکی مجروح گردیده بود. مجموع تلفات ناشی از این حوادث به ۷۵ نفر می رسید. البته این حادثات فقط در ولایت کنر و ننگرهار به ثبت رسیده بود.

۷۹. گروه کاری که بالای بیجاشدگان داخلی کار می کند توسط کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین و وزارت مهاجرین و عودت کنندگان ریاست می گردد. حمایت کننده اولیه ای بیجاشدگان همین دو نهاد بوده که از این طریق بیجاشدگان ناشی از جنگ ابتدا تشخیص داده شده و بعد با ایشان کمک صورت می گیرد. معلومات مختصر از طرف کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین، منازعات مسلحانه عامل بیجاشدگان داخلی - گزارش جدید ماهوار، دسمبر ۲۰۱۳. دریافت این معلومات به تاریخ ۱۴ جنوری سال ۲۰۱۴ صورت گرفته است.

۸۰. معلومات مختصر از طرف کمیشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین، رویداد های که عامل بیجاشدگان داخلی در سال ۲۰۱۳ بوده است. هم چنان.

۸۱. تأسیسات صحتی شامل شفاخانه ها، کلینیک، مکانهای کمک های اولیه، لابراتوارها، بانک های خون و دواخانه ها می باشد. کارمندان صحتی افراد چون دکتران، نرس ها، کمک رسانان اولیه، دواساز و سایر کارمندانی که بخاطر وظایف صحتی گماشته می شوند، مثلاً کارمندان اداری تأسیسات صحتی یا موتوروان های امبولانس را شامل می گردد. خطر علیه تأسیسات صحتی یک واقعیت تلخ می باشد، کمیته بین المللی صلیب سرخ، کابل، ۲۰۱۳.

۴ کارمند دیگر مجروح گردیده است.^{۸۲} تمام حادثاتی که منجر به قتل و جرح گردیده بود؛ به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود.

منازعات مسلحانه و حق دست رسی به آموزش

خشونت های ناشی از منازعات مسلحانه بطور مستقیم حق دست رسی به آموزش را در تمام مناطق کشور متأثر ساخته است. یوناما به تعداد ۶۲ حادثه ای را به ثبت رسانیده که حملات هدفمند، سوختاندن مکتب ها، تهدید و ارباب علیه معلمان و کارمندان مربوطه، انفجار مواد انفجاری در جوار مکتب ها، تاخت و تاز و جنگ های زمینی را شامل می گردد. مکتب های برای اهداف نظامی نیز تصرف گردیده و از آن استفاده شده است. حقوق بشر دوستانه بین المللی مکتب ها را یک مکان دارای وضعیت حفاظت شده تلقی می نماید، که تصرف مکتب ها برای اهداف نظامی همان وضعیت حفاظت شده را به چالش کشانده و اطفال را به خطر مواجه می سازد. یوناما در حدود هفت حادثه ای را در سال ۲۰۱۳ به ثبت رسانیده که در آن مکتب ها در تحت تصرف قرار گرفته است.^{۸۳}

بررسی تأثیرات جنگ های مسلحانه بر افراد ملکی در سال ۲۰۱۳

افزایش در آمار کشته شدگان و مجروحین افراد ملکی در نتیجه ای جنگ های زمینی بشمول روند صعودی تلفات زنان در اثر همچون حوادث؛ همانا تغییرات در ماهیت جنگ و تاکتیک های جنگی را در جریان سال نشان میدهد. مسدود شدن مراکز نظامی آیساف و کاهش در عملیات های هوایی و زمینی آیساف بطور مشخص آن جنگ های زمینی آیساف که با نیروهای امنیتی افغانستان مشترکاً صورت می گرفت؛ این توانای را برای نیروهای مخالف دولت بوجود آورده که در بعضی از ساحات با تحرک بیشتر و توانای بهتر علیه نیروهای امنیتی افغانستان حمله نماید. به همین خاطر نیروهای مخالف دولت در مقایسه سالهای قبلی بیشتر فعال گردیده و بیشتر از پیش به شکل آزادانه حمله می نمایند. افراد ملکی بطور مشخص زنان و کودکان بیشتر در میان فیرهای متقابل گیر مانده و آسیب می بیند.

علاوئاً؛ خلاهای امنیتی و نبرد میان گروه های مسلح و زورمندان برای اینکه بعضی از مناطق را تحت نفوذ خویش قرار دهند و همچنان مبارزه میان چهرهای سیاسی دلیل دیگر برای افزایش حوادث امنیتی و کاهش محافظت افراد ملکی می باشد. مرحله پنجم و نهائی انتقال مسئولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای امنیتی افغانستان در ماه جون سال ۲۰۱۳ آغاز گردید^{۸۴} که خلاء امنیتی را در بعضی از مناطق بوجود آورده و هنوز نیروهای امنیتی افغانستان آن خلاها را پُر نموده است. در نتیجه؛ بعضی از مناطق مشخص برای حملات نیروهای مخالف دولت خیلی آسیب پذیر باقی مانده که حملات صورت گرفته تلفات افراد ملکی را غالباً به دنبال داشته است.

تلاشهای نیروهای مخالف دولت برای اثبات نفوذ شان در بعضی از مناطق جنگی نیز باعث افزایش جنگ های زمینی با نیروهای امنیتی افغانستان گردیده است. که در نتیجه افراد ملکی به شکل فزاینده ای در فیر های متقابل و یا در نتیجه جاسازی مواد انفجاری تعبیه شده توسط نیروهای مخالف دولت، کشته و مجروح می گردید.

۸۲. در سال ۲۰۱۲ یوناما در اثر ۲۲ حادثه؛ قتل سه کارمند صحتی و جرح ۹ کارمند صحتی را ثبت نموده بود.

۸۳. این معلومات توسط گروه کاری مربوط به کودکان و منازعات مسلحانه جمع آوری و تحلیل شده است.

۸۴. ناتو، منشی عمومی ناتو اعلام انتقال امنیتی را به تاریخ ۱۸ جون سال ۲۰۱۳ خوش آمدید گفت. صحبت جناب ایشان در آدرس ذیل قابل دست

رس می باشد: http://www.nato.int/cps/en/natolive/news_101482.htm.

افزایش در آمار تلفات افراد ملکی با انتقال مسئولیت های امنیتی و تغییرات از لحاظ سیاسی در افغانستان همزمان اتفاق افتاده است. این موضوع برای طرفهای درگیر در جنگ ضرورت یک تعهد محکم و مجدد را برای مد نظر گرفتن اقدامات بیشتر جهت محافظت افراد ملکی، بوجود آورده است. تمام طرفهای درگیر بخصوص نیروهای مخالف دولت باید بیشتر از این تلاش نمایند که بر مسئولیت های قانونی شان توجه نموده و از کشتن و مجروح نمودن افراد ملکی جلوگیری نموده و نیز محافظت هرچه بیشتری افراد ملکی را مد نظر بگیرد.

یوناما خاطر نشان میسازد که باتوجه به مفاد انتقال مسئولیت های امنیتی و ایجاد تغییرات از لحاظ سیاسی در سال ۲۰۱۴؛ برای ثبات بهتر و در تلاش ها برای رفتن به صلح؛ باید کاهش تلفات افراد ملکی و پیشرفت در زمینه ای محافظت از حقوق بشر مبنای اصلی و اساسی باشد.

پیشنهادات

یوناما پیشنهادات ذیل را جهت تقویت محافظت افراد ملکی پیشکش می نماید:

پیشنهاد به نیروهای مخالف دولت

- استفاده از مواد انفجاری که تفکیک بین افراد ملکی و نظامی کرده نمی تواند و نیز استفاده از آن خلاف اصل تناسب می باشد؛ باید متوقف گردد. بطور مشخص استفاده از آن در ساحاتی که افراد ملکی رفت و آمد می نمایند؛ منع گردد.
- هدف قرار دادن و قتل افراد ملکی بشمول بزرگان و کارمندان مذهبی، مقامات قضائی و کارمندان ملکی دولت؛ متوقف گردد.
- حملات علیه اماکن ملکی بشمول هتل ها، جاده های عمومی، کنسولگری ها، دفاتر ملکی دولتی بشمول محاکم؛ و حملات در داخل اماکن متذکره باید متوقف شود.
- با رعایت اصول تشخیص، تناسب و احتیاط در حقوق بین الملل؛ از تلفات افراد ملکی در جریان حملات باید جلوگیری شود. و نیز فرد ملکی باید طوری تعریف گردد که با معیارهای حقوق بشر دوستانه بین المللی سازگاری داشته باشد.
- دستور العمل ها، رهنمودها و هدایت های که نیروها را وادار به جلوگیری از تلفات افراد ملکی می نماید، عملی گردد. همچنان؛ آن اعضای که افراد ملکی را مورد هدف قرارداده، مجروح نموده و یا به قتل می رسانند، باید پاسخگو تلقی گردد.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- تمام منابع مورد نیاز برای تحقق کامل ستراتیژی ملی مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده؛ اختصاص داده شود و نیز تقویت هرچه بیشتری ظرفیت نیروهای امنیتی افغانستان در اولویت قرار بگیرد. تا از این طریق نیروهای متذکره بتواند فرماندهی، کنترل و عملیاتهای مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده و خنثی سازی مواد و نیز استحصال آن را به شکل مؤثر انجام دهد.
- اقدامات مشخص جهت کاهش تلفات افراد ملکی در جریان جنگ های زمینی صورت بگیرد. این مهم زمانی عملی می گردد که رهنمود های تاکتیکی، قواعد جنگ و سایر طرز العمل ها اصلاح گردیده و تقویت گردد.

- هم چنان؛ از آموزش و تمویل مطلوب تمام نیروهای امنیتی افغانستان در قسمت محافظت افراد ملکی و کاهش تلفات آنها؛ اطمینان حاصل گردد.
- در صورت حادثه ای تلفات افراد ملکی؛ قضیه بموقع و به شکل شفاف باید تحقیق گردیده و تمام حادثاتی که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده و عامل شان نیروهای امنیتی افغانستان می باشد؛ به شکل دقیق مورد تعقیب قرار بگیرد. ساختارهای حکومتی باید تقویت گردد تا این توانائی را بیابد که حادثات تلفات افراد ملکی را که به نیروهای امنیتی منسوب می گردد؛ به شکل لازم نظارت نموده و تلفات را کاهش دهد و هم چنان؛ مرتکبین تلفات را به پنجه ای قانون بسپارد.
 - تمام ادعاهای نقض و تخطی حقوق بشری که توسط نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته؛ مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار داده و آنهایی را که مسئول تلقی می گردد بر اساس مقررات حقوق داخلی و رعایت اصول حقوق بین الملل مورد مجازات قرار دهد.
 - آن گروه های پولیس محلی که متهم به نقض حقوق بشر می باشند و یا سایر جرایم را انجام دادند و نیز مدت هاست که در معافیت از مجازات بسر می برند؛ منحل گردد. تمام اعضای پولیس محلی که متهم به نقض حقوق بشر و سایر جرایم می باشند؛ باید تحت تحقیق و تعقیب عدلی قرار بگیرد.
 - گروه های مسلح غیر مسئول به شکل دوام دار منحل گردیده و خلع سلاح گردد.

پیشنهاد به نیروهای بین المللی

- حمایت از نیروهای امنیتی افغانستان جهت حصول اطمینان از تمویل، آموزش و تجهیز کافی آنها افزایش داده شود. تا این نیروها بتواند فرماندهی، کنترل و عملیات های مقابله با مواد انفجاری تعبیه شده، خنثی سازی مواد و استحصال آن را در سالهای ۲۰۱۴ - ۲۰۱۶؛ به شکل مؤثر انجام دهد.
- از آسیب رساندن به افراد ملکی جلوگیری نموده و اقدامات مؤثر جهت نقشه کشی، علامت گذاری و پاکسازی مواد منفجر نشده از تمام مراکز نظامی نیروهای بین المللی و آن حوزه ای مشخصی که در آن فیر صورت گرفته؛ انجام گردد. البته آن مراکز نظامی که حالا بسته شده است.
- یک میکانیزم مشخص میان آیساف و نیروهای امنیتی افغانستان ایجاد گردد که اگر در قسمت وجود مواد منفجر نشده ای ناشی از عملیات های هوائی و زمینی؛ مظنون می گردد؛ باید آن را به مقامات مربوطه اطلاع دهد. و نیز از علامت گذاری و پاکسازی ساحه ای خطرناک اطمینان حاصل گردد.
- مشاهدات و ملاحظات مراحل قبل از جنگ و اقدامات احتیاطی مربوطه در عملیات های تهاجمی هوائی جهت یافتن میکانیزم های جدید و بخاطر کاهش آسیب ها به افراد ملکی؛ بازنگری گردد.
- بازنگری ها و تحقیقات قبل از عملیات؛ با هماهنگی حکومت افغانستان در عملیات های که تلفات افراد ملکی رخ میدهد و در آن نیروهای بین المللی و قوت های استخباراتی بین المللی دخیل هستند؛ انجام شود. در ضمن؛ در این ارتباط اقدامات مناسب روی دست گرفته شده و از پاسخ دهی، بهبودی در چگونگی عملیاتها و پرداخت جبران خسارت؛ اطمینان حاصل گردد.